ارمغان بزرگ
برای
حافظان قرآن

تالیف : مولانا رحیم بخش پانی پتی
ترجمه : عبدالقادر دهقان

ملک را می نهد خطش چو طفلان لوح در دامن
الا ای حـافظ قـرآن ایـن هـفت آیت ازبـرکن
(سنایی)

ارمغان بزرگ

برای حافظان قرآن

اثر

قاری رحیم بخش پانی پتی

ترجمه

ابو شعیب عبدالقادر دهقان
(سراوان)

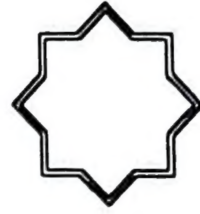
پانی‌پتی، رحیم بخش
ارمغان بزرگ برای حافظان قرآن / اثر رحیم بخش پانی پتی؛ ترجمه ابوشعیب عبدالقادر دهقان (سراوان). - زاهدان: صدیقی، ۱۳۸۲.
۶۴ ص.
ISBN 964-5728-38-x
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. قرآن - متشابهات و محکمات. الف. دهقان، عبدالقادر، ۱۳۴۱ -، مترجم. ب. عنوان.
۴الف۲پ / BP۸۵/۱ ۲۹۷/۱۵۵
۱۳۸۲
کتابخانه ملی ایران ۸۹۲۰-۸۲م



مرکز پخش: زاهدان - خیابان خیام - انتشارات صدیقی - تلفن ۲۴۴۵۸۴۰(۰۵۴۱)

ارمغان بزرگ برای حافظان قرآن

مؤلف: قاری رحیم بخش پانی پتی
مترجم: ابوشعیب عبدالقادر دهقان
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
قطع: رقعی
نوبت چاپ: زمستان - ۱۳۸۲
چاپخانه: پیک فرهنگ
قیمت: 2000
ش... ISBN: 964-5728-38-x ۹۶۴-۵...
دفتر تهران: خیابان انقلاب - خیابان فخررازی - خیابان شهید وحید نظری - ساختمان پیک فرهنگ - شماره ۱۹۲ - طبقه سوم - تلفن ۶۴۱۰۰۲۰ داخلی ۷۵



اهداء :

ـ به رهروان راه قرآن و حافظان اهداف عالی آن
ـ به آنکه مرا درس قرآن و عشق به الله آموخت

(مترجم)

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار مترجم

ابـتدا کـردم بـه نـام کـردگار　　　نیست غیر از تو،تویی پروردگار

قرآن یگانه کتاب جاودان آسمانی و مشعل فروزان هدایت و برنامۀ زندگی بشر است که تا ابد هدایت و رشد ملّتها را به عهده داشته و در تاریکیهای جهل و گمراهـی، درخشـان خـواهـد مـاند، رسـول گـرامـی اسلام ﷺ می فرماید: «هنگامی که فـتنه هـا هـمچون پـاره هـای شب تاریک، شما را فرا گرفت، برشماست که ملازم قـرآن بـاشید» حـضرت علی رضی الله عنه می فرمایند: قرآن پند آموز خالصی است که خیانت نمی کند وراهنمایی است که گمراه نمی کند و سخن گویی است که دروغ نـمی گوید.

حضرت عمر فاروق رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ نقل می کند که آنحضرت فرمودند: خداوند به و سیلۀ قرآن، ملتهایی را عزت و سربلندی عنایت می کند و ملتهایی را پست و ذلیل می گرداند، یعنی کسانیکه به دامان قرآن چنگ زنند و آنرا رهنما و چراغ فرا راه خود قرار دهند، به مقامی شامخ و شرفی بزرگ دست می یابند و آنانکه از قرآن روی می گردانند، به تاریکیهای ضلالت گرفتار خواهند شد.

از جمله و یژگیهایی که خداوند به این کتاب پر برکت عنایت فرموده این است که این کلام با عظمت، که خداوند می فرماید: «آسمانها،زمینها وکوهها تاب تحمّل آنرا نداشتند» در دل انسان و در سینۀ اطفال خردسال جای می گیرد، به گفتۀ دکتر محمد اقبال، شاعر معروف اسلامی:

آنکه دوش کوه بـارش بـر نـتافت　　　سطوت او زهرۀ گردون شکـافت
بـنگر آن سـرمایه آمـال مـا　　　گـنجد انـدر سـینه اطـفال ما

همانگونه که حفظ معانی قرآن و عمل بر احکام آن، موجب نجات ورستگاری است، حفظ الفاظ قرآن نیز مایۀ سعادت دنیا و آخرت است،

گروهی از دانشمندان مسایل فقهی قرآن را استنباط کرده اند و گروهی دیگر مسایل اخلاقی،اجتماعی و فلسفی آن را و گروهی علوم فلکی، طبیعی و بیولوژی را مورد بررسی قرار داده اند و عدّه‌ای آثار ادبی آنرا حفاظت کرده و گروهی حفظ الفاظ قرآن را به عهده گرفته و این کلام لطیف را در سینه های خود جای داده اند.

رسول اکرم ﷺ در موارد متعددی به حفظ الفاظ قرآن تشویق و تأکید فرموده اند. حضرت عبدالّله بن عمر رضی الله عنه نقل می کند که آنحضرت ﷺ فرمودند: روز قیامت، به قاری قرآن گفته می شود قرآن را با ترتیل (آرام وباتأنّی) همانگونه که در دنیا می خواندی، بخوان و بر طبقه های بهشت بالا برو، هرکجا آیات قرآن به پایان رسید، جایگاهت همانجاست، در جایی دیگر می فرمایند: اشراف امّت من و خاصان بارگاه خدا، حاملان قرآن هستند. امام صادق رحمه الله می‌فرماید: آنکه در باب قرآن بکوشد وباکمی حافظه آنرا به زحمت حفظ کند، دوگونه پاداش خواهد داشت. حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها از نبی‌اکرم ﷺ نقل می‌نماید که آنحضرت فرمود: آنکه قرآن را فرا می گیرد و حفظ می نماید، خداوند او را در بهشت برین جای می دهد و در حق ده تن از بستگانش که همه مستحق دوزخند، اجازه شفاعت می دهد.

در روایتی دیگر آمده که آنحضرت فرمودند: روز قیامت، پدر و مادری که فرزندشان قرآن را حفظ کرده است، تاج نورانی پوشانده می شوند؛ زهی سعادت مرکسانی راکه به نعمت حفظ قرآن مفتخرگشته و می گردند.

مجموعه ای که پیش روی **دارید** خدمتی است کوچک در راه حفظ قرآن که به حافظان و رهروان راه قرآن، تقدیم می گردد، از آنجا که بعضی از آیات قرآن در سُوَر مختلف بنابر مصالح خاصّی تکرار شده است، این امر موجب می شود که ذهن قاری از یک سوره به سوره ای دیگر، یا از یک آیه به آیهٔ دیگر منتقل شود، لذا به منظور سهولت وپیشگیری از چنین اشتباهات، خادم قرآن، قاری رحیم بخش پانی پاتی،

استاد قرائت در مدرسهٔ خیرالمدارس ملتان، پاکستان آیات مشابه را جمع آوری و دسته بندی کرده و برای هر دسته علایم خاصّی و ضع نموده است، اگر حافظان قرآن، هنگام تلاوت به این نکات توجّه کنند، تا حد زیادی در رفع اینگونه اشتباه‌ها موفّق خواهند شد.

بعضی از آیه‌ها که در این مجموعه جزو متشابهات به شمار رفته وبرای آنها علائمی اختصاص یافته است، شاید برای آن دسته از حفاظ که به زبان عربی آشنایی دارند، چندان حایز اهمیّت نباشد، امّا چون اکثر حافظان در این دیار (به و یژه خردسالان) قبل از آشنایی با زبان عربی، در میدان حفظ قرآن قدم می گذارند، مؤلف گرانمایه از آوردن اینگونه موارد شبهه نیز طفره نرفته است، گفتنی است که مؤلف، آیه‌های متشابه را فقط با ذکر شماره «رکوع»[1] نشاندهی کرده است و من نیز از وی تبعیّت نموده بودم، و لی چون بعضیها با رکوع ممارست ندارند، عدّه‌ای از برادران، بویژه دوستان حافظم پیشنهاد کردند که شماره آیات را نیز استخراج کنم تا نفع رساله عام گردد و برای همه قابل استفاده باشد.

لذا بنده این زحمت را تقبل نمودم و درکنار شماره رکوع، شمارهٔ آیه ها را نیز درج نموده ام و این کار به ارزش معنوی کتاب افزوده است، بنابراین جهت راهنمایی خوانندگان گرامی باید خاطر نشان سازم که عدد اول داخل پرانتز، شماره رکوع و عدد دوم شماره آیه است که با یک ممیز از هم جدا شده اند، بطور مثال می خوانید: سورهٔ بقره (۲۳/۵) یعنی

---

۱ در قرآنهای چاپ هند و پاکستان، فواصلی تحت عنوان رکوع و جود دارد که با علامت اختصاری «ع» نشاندهی شده اند، درکشورهای اسلامی، مرسوم است که حافظان قرآن، در ماه رمضان مبارک، حداقل یکبار تمام قرآن را در نماز شب (تراویح) با جماعت ختم می کنند، علماء به منظور سهولت، سی جزء قرآن را به پانصد و چهل رکوع تقسیم کرده اند تا بدینوسیله ختم قرآن در شب بیست و هفتم (شب قدر) صورت گیرد، علّت این نامگذاری، این است که قاری بعد از تلاوت این مقدار، به رکوع می‌رود (علوم القرآن، علامه محقق محمد تقی عثمانی - مترجم).

رکوع پنجم، آیه بیست و سوم سوره بقره.

در پایان به امید آنکه حافظان و استفاده کنندگان از این مجموعهٔ گرانبها، مارا در دعاهای خویش یاد کنند، از خداوند می خواهم که ترجمه را مانند اصل آن نافع و به شرف قبول بنوازد.

گر قبول افتد زهی عزّ و شرف

ابو شعیب عبدالقادر دهقان

سراوان ـ بلوچستان

مقدمهٔ مؤلف

ضعفی که امروزه میان مسلمین، نسبت به دین و تعالیم اسلامی مشاهده می شود بر کسی مخفی نیست، بی رغبتی نسبت به حفظ قرآن مجید نیز یکی از حلقه های این زنجیره می باشد، عده ای از بندگان خدا در این میدان و ارد عمل شده اند، امّا از آن جا که این کار خیلی مهم و دشوار است، راه به جائی نبرده اند به نظر من اینکار چنان دشوار است که اگر و عدهٔ خداوند در مورد حفاظت قرآن نبود که «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»[1] شاید جز پیامبر اسلام کسی دیگر به حفظ قرآن موفق نمی شد، لیکن چون خواست خداوند است که عین الفاظ قرآن را محفوظ نگهدارد، می بینیم که اطفال خرد سال هم آنرا بخوبی تلاوت می کنند و از عهده حفظ آن بر می آیند و بدینوسیله خداوند منّان آنرا حفاظت می نماید.

امروزه عموماً تلاش در راه حفظ قرآن روبه سستی گرائیده و گذشته از بی رغبتی، حافظهٔ مردم نیز ضعیف شده‌است بدین ترتیب تحمّل زحمت در راه حفظ قرآن نسبت به گذشتگان تقلیل پیدا کرده است، تا آنجا که جز عدّه ای انگشت شمار نمی توان افرادی یافت که مانند گذشتگان سخت کوش و صبور باشند، و بی تردید هر یک از حافظان قرآن آرزو دارند که قرآن پاک را در سطحی عالی حفظ کنند یا حداقل در سطحی باشند که بتوانند از پیچ و خم مشابهات به آسانی عبور کنند، و اکثر حافظان، آیات مشابه را از غیر مشابه تشخیص نمی دهند و هنگام قرائت به مشکل بر می خو رند، درست همانند مسافر پیاده ای که در بیابان، بر سر چهار راهی قرار دارد و نمی داند که این راهها به کجا منتهی می‌شوند، بویژه هنگامیکه در آنجا کسی و جود نداشته باشد تا از او

---

۱ ماقرآن را نازل کردیم و به‌طور قطع آنرا پاسداری می‌کنیم

سؤال کند، در آن هنگام پریشانی او به حدی می رسد که قابل تصور نیست، یا در همان بیابان تسلیم مرگ می شود، یا اینکه بعد از پیمودن مسافتی طولانی متوجّه خواهد شد، راهی که او در پیش گرفته است مخالف راه مورد نظر اوست، اینک خود تصور فرمائید که چه حالتی به او دست می دهد.

حال حافظان قرآن نیز اینگونه است که عده ای از، مشابهات به تنگ آمده از ادامه حفظ قرآن منصرف می شوند، و بدینوسیله تمام زحمت های آنان به باد فنا می رود و بعضی دیگر پس از پیمودن راه بسیار طولانی متوجّه می شوند که « تفاوت ره از کجاست تا به کجا» تقریباً نود و نه درصد حافظان با این مشکل مواجه هستند که اذهان آنان از یک آیه به آیه ای دیگر یا از یک سوره به سوره ای دیگر منتقل می شود.

این حالات نگران کننده در راه حفظ، پیوسته در نظرم بوده و به فکر چاره ای بودم، به ذهنم رسید اگر آیات مشابه را در یک جاجمع و برای هرآیه علامت خاصی مقرر گردد امید است که حفظ قرآن آسانتر شود و تا حدودی این پریشانی از حفاظ قرآن بر طرف گردد این انگیزه موجب شد تا این نوع آیات را در صفحاتی چند جمع آوری نماییم، باشد که رهگشایی برای حفظ قرآن قرار گیرد. اگر به دقّت بنگریم اغلب آیات قرآن با هم شباهت دارند، اما همهٔ این آیات بدینسان نیستند که حفّاظ را در اشتباه بیفکنند، و ما هم در صدد نیستیم که در این مختصر همه مشابهات را جمع آوری کنیم بلکه کوشیده ایم تا سر حدّ امکان مواردی را که عموماً حافظان در آنها سرگردان می شوند جمع آوری نمائیم. (السعی منا و الاتمام من الله).

بنده در این مختصر مشابهات را به دو بخش تقسیم کرده ام زیرا بعد از تلاش به این نتیجه رسیدم که مشابهات دو گونه اند، اول آیاتیکه می توان برای یادگرفتن آنها علامتی معین کرد، بطور مثال گروهی از مشابهات در یک سوره با زیادتی چند حرف و در سورهٔ دیگر باکمی چند حرف آمده اند،برای اینگونه مشابهات دو نوع علامت در نظر گرفته شده و آنها را در

دو فصل بیان کرده ایم که در سورهٔ بزرگتر به زیادی یک یا چند حرف و در سورهٔ کوچکتر به کمی آن حروف آمده اند، مانند مِنْ دُوْنِهٖ هُوَ الْبَاطِلُ سورهٔ حج (۶۲/۸) وَمِنْ دُوْنِهِ الْبَاطِلُ سورهٔ لقمان (۳۰/۳) در این موارد فقط دانستن این امر کافی است که در سورهٔ بزرگتر، یک کلمه اضافه و در سورهٔ کوچکتر یک کلمه کم است، و در فصل دوم مشابهاتی را جمع آوری نموده ایم که بر عکس صورت اول است، یعنی در سورهٔ کوچک یک کلمه اضافه و در سورهٔ بزرگتر یک کلمه کم است مانند: «وَلاَحَرَّمْنَامِنْ دُوْنِهٖمِنْ شَيْءٍ» سورهٔ نحل (۳۵/۵) «وَلاَحَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ» سورهٔ انعام (۱۴۹/۱۸) همچنین علامات دیگری نیز و جود دارد که در محل خود ذکر می شوند. دوم مشابهاتی هستند که نمی توان آنها را به وسیلهٔ علامت خاصی علامتگذاری کرد. لذا آنها را به ترتیب سوره ها بیان کرده ایم. به طور مثال اول مشابهات سورهٔ بقره و بعد به ترتیب مشابهات سوره های دیگر را جمع نموده ایم، و اگر آیه مشابه در یک رکوع برای اولین بار آمده، آنجا نوشته شده و آیه های همانند آنرا نیز با ذکر مشخصات بیان کرده ایم خلاصه اینکه این دسته از متشابهات که دارای علامت هستند در بخش اول و آیه‌های مشابهی که علامتی ندارند در بخش دوم بیان می شوند.

بخش اول

بخش اول، شامل مشابهاتی است که برای فراگرفتن آنها علاماتی وضع شده و دارای پنج فصل است.

فصل اول

در این فصل مشابهاتی رایاد آور می شویم که در سورهٔ بزرگتر بازیادتی یک کلمه یا یک حرف و در سورهٔ کوچک تر با کمی آن کلمه یا حرف آمده‌اند، در هر شماره، نخست آیه‌ای که دارای کلمهٔ اضافی است

ذکر می شود و بعد آیه ای که آن کلمه را ندارد ذکر می شود، به خاطر بسپارید که آیهٔ دارای حرف اضافی در سورهٔ بزرگتر است، و آیهٔ دیگر در سورهٔ کوچکتر است، و سوره های کوچک و بزرگ را اکثراً خود حافظان از هم تشخیص می دهند، بنا براین لزومی ندارد که، هر سوره را مشخص کنیم که بزرگتر است یا کوچکتر اینک آیات مشابه به ترتیبی که گفتم فهرست و ار از نظر تان می گذرد:

(۱) وَقُلْنَا يَآدَمُ اسْكُنْ بقره (۳۵/۴) و يَآدَمُ اسْكُنْ اعراف (۱۹/۲) می بینیم که در سوره بقره که از اعراف بزرگتر است کلمهٔ «قُلْنَا»اضافه است .وهمچنین در همین سوره وَكُلاَ مِنْهَا رَغداً حَيْثُ بقره «۳۵/۴» ودر سورهٔ اعراف رکوع دوم آیهٔ ۱۹ فَكُلاَ مِنْ حَيْثُ آمده است، یعنی کلمهٔ «مِنْهَا» در سورهٔ کوچکتر و جود ندارد.

(۲) وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ بقره (۶۱/۷) وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ آل عمران (۱۱۲/۱۲) در سورهٔ اول کلمهٔ (حق) الف و لام دارد و در سورهٔ دوم، یعنی آل عمران الف و لام ندارد [1]وعلاوه بر این دو مورد جاهای دیگر نیز بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِغَيْرِ حَقٍّ آمده است اما چون در آنجا حفاظ دچار اشتباه نمی شونداز ذکر آنها خودداری نمودیم.

(۳) اَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ سوره بقره (۸۷/۱۱) وَكُلَّمَا جَاءَهُمْ مائده (۷۰/۱۰).

این دو مورد را به دقت بنگرید، سه فرق دیگر در این دو آیه و جود دارد آنها را بخوبی به ذهن بسپارید.

(۴) وَعِيسَىٰ وَ مَآ أُوتِيَ النَّبِيُّونَ سوره بقره (۱۳۶/۱۶) وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ آل عمران (۸۴/۹) و نیز در ابتدا و وسط این دو آیه فرقهای زیر و جود دارد: قُولُوا و قُلْ ـ اِلَيْنَا و ـ عَلَيْنَا، اِلىٰ و ـ عَلىٰ ـ بدقت بنگرید.

(۵) وَلَنَآ أَعْمَالُنَا سوره بقره (۱۳۹/۱۶) لَنَآ أَعْمَالُنَا قصص (۵۵/۶) شوری (۱۵/۲).

(۶) (فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) بقره (۱۴۷/۱۷) و (فَلاَ تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) آل

۱همچنین، در سوره بقره کلمهٔ «نبیّین» و در سوره آل عمران «الانبیاء» آمده است. (مترجم).

عمران (۶/۶۰) این کلمه در سوره انعام (۱۱۵/۱۴) ویونس (۹۴/۱۰) نیز آمده است و لی محل اشتباه نیست.

(۷) (وَاِلٰهُكُمْ) سوره بقره (۱۶۳/۹) ـ (اِلٰهُكُمْ) نحل (۲۲/۳) (و در سوره حج (۳۴/۵) فَاِلٰهُكُمْ است.

(۸) اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْاسوره بقره (۲۱۸/۲۷) و (اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَهَاجَرُوْا) (انفال ۷۲/۱۰) و (وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا) انفال (۷۴/۱۰) و (اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا) توبه (۲۰/۳) ـ یعنی بعد از آمَنُوا فقط در سورهٔ بقره (۲۱۸/۲۷) کلمهٔ «وَالَّذِيْنَ» اضافه است. اگر در این آیات بدقّت بنگریم معلوم می شود که در سورهٔ بقره رکوع ۲۷،توبه رکوع ۳، و دومین موضع انفال رکوع ۱۰ بعد از لفظ «جَاهَدُوا» کلمهٔ فِی سَبِيْلِ اللّٰهِ هم هست و در اولین موضع سورهٔ انفال چنین است: وَجَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِی سَبِيْلِ اللّٰهِ، این فرق را در اینجا به این خاطر یاد آور شدیم تا موجه شوید که کلیه فرقهایی که در هر یک از آیات متشابه و جود دارد همگی بیان نشده است بلکه ما فقط به یک نمونهٔ آن اشاره کرده بقیه را به عهدهٔ شما گذاشته ایم چون این مختصر گنجایش شرح و بسط کافی را ندارد.

(۹) يُوْعَظُ بِهٖ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ سوره بقره (۲۳۲/۳۰) و يُوعَظُ بِهٖ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ طلاق (۲/۱) و در ابتدای جمله در سورهٔ بقره«ذٰلِكَ» و در طلاق «ذٰلِكُمْ»است.

(۱۰) وَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْن سوره بقره (۲۵۲/۳۳) ـ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْن يٰس (۳/۱).

(۱۱) رَبَّنَآ اِنَّنَآ اٰمَنَّا آل عمران (۱۶/۲) ـ رَبَّنَآ اٰمَنَّا مؤمنون (۱۰۹/۶) چونکه بعد از هر دو آیه لفظ فَاغْفِرْ لَنَا می آید انسان در اشتباه می افتد.

(۱۲) مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُوْنَ آل عمران (۲۳/۳) و (مِنْهُمْ مُعْرِضُوْنَ) نور (۴۸/۶).

(۱۳) اِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوْبُكُمْ بِهٖ سوره آل عمران (۱۲۶/۱۳) و اِلَّا بُشْرٰى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهٖ قُلُوْبُكُمْ انفال (۱۰/۱).

ودر این محل بعد از هر دو آیه فرقهای دیگری نیز و جود دارد که

تخریج آنها به خود شما و اگذار می شود.

(۱۴) فِیْ حَدِیْثٍ غَیْرِهٖ«ج» اِنَّکُمْ اِذاً مِّثْلُهُمْ سورهٔ نسآء (۲۰/۱۴۰) و (فِی حَدِیْثٍ غَیْرِهٖ«ط» وَاَمَّا) انعام (۶۸/۸) اینجا بعلّت وقف اشتباه می شود.

(۱۵) لِقَوْمِهٖ یٰقَوْمِ اذْکُرُوْا مائده (۲۰/۴) و لِقَوْمِهِ اذْکُرُوا) ابراهیم (۶/۱).

(۱۶) وَذٰلِکَ جَزَآءُ الْمُحْسِنِیْن سورهٔ مائده (۸۵/۱۱) و در زمر (۳۴/۴) (ذٰلِکَ) بدون واو آمده است.

(۱۷) وَاَطِیْعُوااللّٰهَ وَاَطِیْعُواالرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوا○ فَاِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوْآ اَنَّمَا مائده (۹۲/۱۲) و اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ ○ فَاِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاِنَّمَا) تغابن (۱۲/۲).

(۱۸) (قَالَ اَلَیْسَ هٰذَا) سوره انعام (۳۰/۳) و (اَلَیْسَ هٰذَا) احقاف (۳۴/۴)

(۱۹) وَلَآ اَقُوْلُ لَکُمْ اِنِّی) سوره انعام (۵۰/۵) (وَلَآ اَقُوْلُ اِنِّی) سوره هود (۳۱/۳) و ابتدای آیه در سوره انعام چنین است، (قُلْ لَآ اَقُوْلُ) و در سوره هود لفظ «قُلْ» نیست.

(۲۰) وَوَهَبْنَا لَهٗ اِسْحٰقَ سوره انعام (۸۴/۱۰) وانبیآء (۷۲/۵) وعنکبوت (۲۷/۳) (وَهَبْنَالَهٗ اِسْحٰقَ) مریم (۴۹/۱۰) (در سوره مریم که از هر سه کوچکتر است (واو) و جود ندارد.

(۲۱) مَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ سوره انعام (۸۸/۱۰) و (مَنْ یَّشَآءُ) زمر (۲۳/۳) در سوره دوم لفظ «مِنْ عِبَادِهٖ» نیست و ابتدای جمله در هر دو مورد یکسان است.

(۲۲) وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا سوره انعام (۹۴/۱۱)(لَقَد جِئْتُمُوْنَا کَمَا)کهف (۴۸/۶).

(۲۳) خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ فَاعْبُدُوْه سوره انعام (۱۰۲/۱۳) و (خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ)مؤمن (۶۲/۷).

(۲۴) مِنْ رَّبِّکَ بِالْحَقِّ فَلَا تَکُوْنَنَّ سوره انعام (۱۱۴/۱۴) (و) مِنْ رَّبِّکَ فَلَاتَکُوْنَنَّ یونس (۹۴/۱۰).

(۲۵) کَذٰلِکَ یَجْعَلُ اللّٰهُ الرِّجْسَ سوره انعام (۱۲۶/۱۵) (و) یَجْعَلُ الرِّجْسَ یونس (۱۰۰/۱۰) فرقهای دیگر که در این مورد و جود دارد بخاطر بسپارید.

(۲۶) عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُسوره اعراف (۳۰/۳) (و) عَلَيْهِ الضَّلٰلَةُ نحل (۳۶/۵).

(۲۷) مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا ـ اعراف (۸۶/۱۱) وـ مَنْ اٰمَنَ تَبْغُونَهَا آل عمران (۹۹/۱۰).

(۲۸) قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِاٰيَةٍ فَاْتِ بِهَااعراف (۱۰۶/۱۳) (قَالَ نَاْتِ بِهِ)شعرا (۳۱/۲) (در سورهٔ شعراء (۱۵۴/۸) نیز «فَاْتِ بِاٰيَةٍ»آمده که محل اشتباه نمی باشد).

(۲۹) عَنْهُمُ الرِّجْزَ اِلٰى اَجَلٍ هُمْ بٰلِغُوهُ اِذَا هُمْ سوره اعراف (۱۳۵/۱۶) (و) ـ عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِذَا هُمْ زخرف (۵۰/۵).

(۳۰) اِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيْعُ الْعِقَابِ سوره اعراف (۱۶۷/۲۱) ـ وـاِنَّ رَبَّكَ سَرِيْعُ الْعِقَابِ انعام (۱۶۵/۲۰).

(۳۱) وَاِنْ تَدْعُوْهُمْ اِلَى الْهُدٰى اعراف (۱۹۳/۲۴) دوبار آمده است و اِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى کهف (۵۷/۸).

(۳۲) وَمَنْ يُشَاقِقِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ اللّٰهَ سوره انفال (۱۳/۲) وَمَنْ يُشَاقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ ـحشر (۴/۱).

(۳۳) وَقَالَ اِنِّىْ بَرِىْٓءٌ مِّنْكُمْ سوره انفال (۴۸/۶) قَالَ اِنِّىْ بَرِىْٓءٌ مِّنْكَ حشر (۱۶/۲) و بقیه فرقهای دو آیه را هم در نظر داشته باشید.

(۳۴) وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ سوره توبه (۲۳/۳) وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ ممتحنه (۹/۲) و در سورهٔمائده (۵۱/۸) نیز همین جمله با اندکی تفاوت آمده است.

(۳۵) مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ تاآخر آیه سوره توبه (۷۲/۹) و سورهٔ صف (۱۲/۲) تفاوت هر دو را کاملاً بررسی کنید، در اولی چند لفظ و جود دارد که در دوم نیست.

(۳۶) فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ سوره یونس (۳۱/۴) قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ مؤمنون (۸۷/۵).

(۳۷) سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ سوره یونس (۴۵/۵) سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ احقاف (۳۵/۴).

(۳۸) فَاِلَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكُمْ فَاعْلَمُوْٓا اَنَّمَا سوره هود (۱۴/۲) فَاِنْ لَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكَ

فَاعْلَمْ اَنَّمَا قصص (۵/۵۰).

(۳۹) الحَمِيْدِ ۞ اللّٰهِ الَّذِی سوره ابراهیم (۱/۱) و ـ الحَمِيدِ ۞ الَّذِی بروج (۸/۱).

(۴۰) وَمَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ رَّسُوْلٍ تا آخر آیه سوره حجر (۱۱/۱) مَا يَاْتِيْهِمْ ـ یٰسٓ (۳۰/۲) دنبالهٔ آیه درهردوجایکساناست، سورهحجرشش رکوع، ویٰسٓ پنج رکوع دارد.

(۴۱) وَاِذْقَالَ رَبُّکَ سورهٔ حجر (۲۸/۳) (اِذْ قَالَ رَبُّکَ) ص (۵/۷۱) ـ وفرقهای دیگر این دو آیه را نیز فراموش نکنید. سورهٔ حجر۶و قصص ۵ رکوع است.

(۴۲) فَلَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِيْنَ سوره نحل (۲۹/۴) فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِيْنَ زمر (۷۲/۸) ومؤمن (۷۶/۸).

(۴۳) وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ نحل (۷۲/۱۰) وَ بِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَكْفُرُوْنَ عنکبوت (۶۷/۷).

(۴۴) عَنِ الْفَحْشَاءِوَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ سوره نحل (۹۰/۱۳) عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ عنکبوت (۴۵/۵) و در سوره نور (۲۱/۳) نیز بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ آمده است لیکن آنجا اشتباه نمی شود.

(۴۵) وَكَفٰى بِرَبِّكَ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ سوره اسراء (۱۷/۲) وَكَفٰى بِهٖ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ. فرقان (۵۸/۵).

(۴۶) حَتّٰى اِذَا رَاَوْا سورهٔ مریم (۷۵/۵) و جن (۲۴/۲) و در سورهٔ اول (مریم) چهار کلمه اضافی و جود دارد که در سورهٔ دومی (جن) و جود ندارند.

(۴۷) (وَهَلْ اَتٰىكَ) سورهٔ طه (۹/۱) ـ (هَلْ اَتٰىكَ) نازعات (۱۵/۱) و در سورهٔ ص (۲۱/۲) نیز با همراه (واو) آمده است و در ذاریٰت (۲۴/۲) وبروج (۱۷/۱) و غاشیه (۱/۱) بدون (واو) آمده است اما جزو مشابهات نیستند.

(۴۸) وَلَا تَمُدَّنَّ سورهٔ طه (۱۳۱/۸) لَا تَمُدَّنَّ حجر (۸۸/۶).

(۴۹) اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى سورهٔ انبیاء (۲۸/۲) اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى جن (۲۷/۲).

(۵۰) رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَاوذِكرىٰ انبياء (۸۴/۶) رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكرىٰ ـ ص (۴۳/۴).

(۵۱) اَقَرِيْبٌ اَمْ بَعِيْدٌ مَا تُوعَدُوْن ـ انبياء (۱۰۹/۷) نيز اَقَرِيْبٌ مَا تُوعَدُوْنَ جن (۲۵/۲) (تفاوتی که در ابتدای دو آیه و جود دارد از یادتان نرود.

(۵۲) مِنْ دُوْنِهٖ هُوَالبَاطِل حج (۶۲/۸) مِنْ دُوْنِهِ البَاطِلُ لقمن (۳۰/۳).

(۵۳) عَلٰى صَلَاتِهِمْ سوره مؤمنون (۹/۱) عَلٰى صَلَاتِهِمْ معارج (۲۳/۱).

(۵۴) قَالَ رَبِّ اِنِّی اَخَافُ اَن يُكَذِّبُوْنِ سوره شعراء (۱۲/۲) ودر سوره قصص (۳۴/۴) ـاِنِّی اَخَافُ...بدون «قَالَ رَبِّ»آمده ـ (شعراء ۱۱ رکوع وقصص ۹ رکوع دارد.

(۵۵) لِمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُوْمِنِيْن سوره شعراء (۲۱۵/۱۱) و...لِلْمُوْمِنِينَ حجر (۸۸/۶).

(۵۶) وَ اَنْ اَلْقِ عَصَاکَ سپس به دنبالش در همین آیه يٰمُوْسٰى اَقْبِلْ وَلاَ تَخَفْ قصص (۳۱//۴) وَاَلْقِ عَصَاکَ وبعد در همین آیه می خوانیم يٰمُوْسٰى لاَ تَخَفْ (نمل (۱۰//۱) قصص دارای ۹ آیه و نمل دارای ۷ آیه است).

(۵۷) الحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ زِيْنَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ قصص (۶۰/۶) اَلحَيٰوةِ الدُّنْيَا ومَا عِنْدَاللّٰهِ سوره شوری (۳۶/۴) و در ابتدای آیه در سورهٔ قصص «ومَا»در سورهٔ شوری «فَمَا» است.

(۵۸) عَلٰى عِلْمٍ عِنْدِی سورهٔ قصص (۷۸/۸) عَلٰى عِلْمٍ زمر (۴۹/۵) (قصص دارای ۹ رکوع و زمر دارای ۸ رکوع است).

(۵۹) فِی الْاَرْضِ وَلاَ فِی السَّمَآءِ وَمَا لَكُم سورهٔ عنکبوت (۲۲/۲) ـ فِی الْاَرضِ وَمَا لَكُمْ ـ شوری (۳۱/۴).

(۶۰) وَلَقَدْ تَرَكْنا مِنْهَا آيَةً سوره عنکبوت (۳۵/۴) و ـ لَقَدْ تَرَكْنٰهاآيَةً ـ قمر (۱۵/۱).

(۶۱) بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُونَ سوره روم (۸/۱) و ـ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ـ الم سجده (۱۰/۱).

(۶۲) فَرِحُوابِهَا سورهٔ روم (۳۶/۴) و ـ فَرِحَ بِهَا ـ شوری (۴۸/۵) (روم دارای ۶وشوری دارای ۵ رکوع می باشد.

(۶۳) فَاَحْبَطَ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ ـ سورهٔ احزاب (۱۹/۲) ـ فَاَحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ ـ محمد

(۹/۱) و (۲۸/۳).

(۶۴) لَمَّا جَآءَ هُمْ إِنْ هٰذآ إِلاَّ سِحْرٌ مُبِينٌ - سورهٔ سبا (۴۳/۵) لَمَّا جَآءَهُمْ هٰذا سِحْرٌ مُبِينٌ - احقاف (۷/۱).

(۶۵) وَ سَوآءٌ يس (۱۰/۱) (سَوَآءٌ) منافقون (۶/۱) و همچنین آیهٔ دهم سورهٔ یس با آیه ششم سورهٔ بقره مشابه است.

(۶۶) إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ - سورهٔ صافّات (۳۴/۲) - كَذٰلِكَ نَفْعَلُ - مرسلت (۱۸/۱).

(۶۷) وَلاَ هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُون - سورهٔ صافّات (۴۷/۲) (عَنْهَا وَلاَ يُنْزِفُونَ) - واقعه (۱۹/۱).

(۶۸) فَقَالَ اَلاَ تَاكُلُو ن - سورهٔ صافّات (۹۱/۳) - قَالَ اَلاَ تَأْكُلُونَ - ذریت (۲۷/۲).

(۶۹) مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْن ٥ اَفَلاَ تَذَكَّرُوْنَ ٥ اَمْ لَكُمْ سورهٔ صافّات (۱۵۴/۵) - مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْن ٥ اَمْ لَكُمْ - قلم (۳۷/۲).

(۷۰) خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ - ص (۹/۱) خَزَآئِنُ رَبِّكَ - طور (۳۷/۲).

(۷۱) وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنَ اللهِ مِنْ وَّاقٍ - سورهٔ مؤمن (۲۱/۳) و- وَمَا لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ - رعد (۳۴/۵).

(۷۲) ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَّاتِيهِمْ - مؤمن (۲۲/۳) و - ذٰلِكَ بِاَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ - تغابن (۶/۱).

(۷۳) بِبَالِغِيْهِ - سورهٔ مؤمن (۵۶/۶) نیز - بِبَالِغِهٖ - رعد (۱۴/۲) سورهٔ مؤمن ۹ رکوع و رعد ۶ رکوع دارد.

(۷۴) وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُونَ - سورهٔ شوری (۳۷/۴) و- اَلَّذِيْنَ يَجْتَنِبُونَ - نجم (۳۲/۲).

(۷۵) إِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُوْرِ - سورهٔ شوری (۴۳/۴) و - إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُوْرِ - لقمان (۱۷/۲) - (ودر آل عمران (۱۸۶/۱۹) فَإِنَّ ذٰلِكَ مِنْ ...است لیکن محل اشتباه نیست.

(۷۶) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِق ٥ و إِنَّ الدِّيْنَ لَوَاقِعٌ ٥ سورهٔ ذاریت (۵/۱) و - إِنَّما تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ - مرسلات (۷/۱).

(۷۷) وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ـ سورۀ واقعه (۲۱/۱) ـ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ـ طور (۲۲/۱).

(۷۸) در سورۀ قلم (۱۴/۱و۱۳) بعد از «مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» چند کلمه اضافی وجود دارد و بعد می خوانیم «إِذَا تُتْلَى» اما در سورۀ مطففین بعد از «مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» متصلاً «إِذَا تُتْلَى» می آید، بدون کلمات اضافی.

فصل دوّم

در مورد مشابهاتیکه به عکس فصل اول است، یعنی در سورۀ کوچک با کلمۀ اضافی و در سورۀ بزرگ تر بدون آن آمده اند.

لذا در این فصل باید این نکته را خاطر نشان ساخت که آیه ای که حرف اضافی ندارد در سورۀ بزرگ، و آیه ای که دارای حرف اضافی است در سورۀ کوچک تر می باشد.

۱ـ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمَا ـ سورۀ آل عمران (۱۱۲/۱۲) ـ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ ـ بقره (۶۱/۷) ناگفته پیداست که سورۀ اول یعنی آل عمران که کوچکتر است ۱۰ تا ۱۱ کلمه بیشتر دارد.

۲ـ در سورۀ مائده (۴۸/۷) بعد از «فِيمَا آتَاكُمْ» جمله «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ آمده و در سورۀ انعام (۱۶۵/۲۰) که بزرگتر است این جمله وجود ندارد (وجمله فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا ـ سوره بقره (۱۴۸/۱۸) را نیز از یاد نبرید).

۳ـ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ـ سورۀ مائده (۶۱/۹) همچنین ـ بِمَا يَكْتُمُونَ ـ آل عمران (۱۶۷/۱۷).

۴ـ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ـ سورۀ مائده (۱۱۱/۱۵) نیز بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. آل عمران (۵۲/۵) و ـ (۶۴/۷).

۵ـ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ سورۀ آل عمران (۷۱/۷) ـ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ بقره (۴۲/۵).

۶ـ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ـ سورۀ انعام (۴۲/۵) و ـ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ـ اعراف (۹۴/۱۲).

۷ـ و يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّهِ.سورهٔ انفال (۳۹/۵) نیز ـ و يَكُونَ الدِّينُ لِلّه بقره (۱۱۶/۲۴).

۸ـ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضِ ○ يُحْيِ وَيُمِيتُ ■ وَمَالَكُم ـ توبه (۱۱۶/۱۴) ونیز مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضِ وَمَالَكُم.بقره (۱۰۷/۱۳) فرقهائی که در ابتدای دو آیه است از یادتان نرود.

۹ـ يُفْتَرىٰ مِنْ دُونِ اللّهِ وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِىْ.سورهٔ یونس (۳۷/۴) يُفْتَرىٰ وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِىْ. یوسف (۱۱۱/۱۲) بهتر است فرقهای دیگری راکه دراین دو آیه وجود دارد پیداکرده و بیاد داشته باشید یونس ۱۱ رکوع (۱۰۹ آیه) و یوسف ۱۲ رکوع (۱۱۱آیه) است.

۱۰ـ وَلاَ تَضُرُّوْنَهُ.سوره هود (۵۷/۵) ولاَ تَضُرُّوْهُ. توبه (۳۹/۶).

۱۱ـ قَالَتْ يٰوَيْلَتىٰ ءَ اَلِدُ.سورهٔ هود (۷۲/۷) قَالَ يٰوَيْلَتىٰ اَعَجَزْتُ. مائده (۳۱/۵).

۱۲ـ اَوْفُوا المِكْيَالَ وَالْمِيْزَان بِالْقِسْطِ وَلاَ.سوره هود (۸۵/۸) فَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَالمِيْزَانَ وَلاَـ سورهٔ اعراف (۸۵/۱۱).

۱۳ـ اَعْلَمُ مِنَ اللّهِ ما لاَ ـ سورهٔ یوسف (۸۶/۱۰) و (۹۰/۱۱) و اعراف (۶۲/۸) ـ اَعْلَمُ مالاَ ـ بقره (۳۰/۴).

۱۴ـ وَيقُولُ الَّذِيْنَ كَفَرُوا لَوْلاَ اُنْزِلَ ـ سورهٔ رعد (۷/۱) و (۲۷/۴) وَيَقُوْلُوْنَ لَوْلاَ اُنْزِلَ ـ یونس (۱۹/۲).

۱۵ـ وَجَعَلُوْا،لِيُضِلُّوْا،و قُلْ تَمَتَّعُوْا. ابراهیم (۳۰/۵) وَجَعَلَ، لِيُضِلَّ،وـ قُلْ تَمَتَّعْ ـ زمر (۸/۱) (ابراهیم دارای ۷ رکوع (۵۲آیه) وزمر دارای ۸ رکوع (۷۵ آیه) است. (یعنی سورهٔ ابراهیم از سوره زمر کوچکتر است).

۱۶ـ مِنَ الَّيْلِ وَاتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ وَلاَ يَلْتَفِتْ.سورهٔ حجر (۶۵/۵) مِنَ الَّيْلِ وَلاَ يَلْتَفِتْ.هود (۸۱/۷).

۱۷ـ وَلاَ حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيءٍ.نحل (۳۵/۵) وَلاَ حَرَّمْنَا مِنْ شَيءٍ انعام (۱۵۰/۱۸) (ودر این دو آیه، دو فرق دیگر نیز وجود دارد، بدقت بنگرید.

۱۸ـ بَلْ قَالُوْٓا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ.سورهٔ انبياء (۵/۱) قَالُوْٓااَضْغَاثُ اَحْلَامٍ. سوره

یوسف (۴۴/۶).

۱۹ـ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً سورهٔ انبیاء (۷۵/۵) (وَيَعْقُوبَ) انعام (۸۵/۱۰) بدون لفظ «نافلة» اگر چه در سورهٔ مریم و عنکبوت نیز این جمله آمده اما در آنجا به اشتباه بر نمی خوریم.

۲۰ـ رَسُولاً مِنهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ ـ سورهٔ مؤمنون (۳۲/۲) رَسُولاً اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ ـ سورهٔ نحل (۳۶/۵).

۲۱ـ مَابِهِمْ مِنْ ضُرٍّ ـ سورهٔ مؤمنون (۷۵/۴) مَابِهِ مِنْ ضُرٍّ ـ سورهٔ انبیاء (۸۴/۶) (مؤمنون دارای (۱۱۸ آیه) و انبیاء دارای (۱۱۲ آیه) است یعنی اول کوچکتر است.

۲۲ـ قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ. سورهٔ نمل (۴۴/۳) قَالَ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ ـ سورهٔ قصص (۱۶/۲).

۲۳ـ وَلَا تَكُنْ فِيْ ضَيْقٍ ـ سورهٔ نمل (۷۰/۶) وَلَا تَکُ فِي ضَيْقٍ ـ نحل (۱۲۷/۱۶).

۲۴ـ اَشُدَّهُ وَاسْتَوٰى اٰتَيْنٰهُ ـ سورهٔ قصص (۱۴/۲) اَشُدَّهُ اٰتَيْنٰهُ ـ سورهٔ یوسف (۲۲/۳).

۲۵ـ وَلَمَّآ اَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا ـ سورهٔ عنکبوت (۳۳/۴) وَلَمَّآ جَاءَتْ رُسُلُنَا ـ هود (۷۷/۷).

۲۶ـ وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْباً فَقَالَ ـ سورهٔ عنکبوت (۳۶/۴) و نیز در سورهٔ اعراف (۸۵/۱۱) و هود (۸۴/۸) (شُعَيْباً قَالَ) بدون فاء آمده است.

۲۷ـ فَاِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى ـ سورهٔ روم (۵۲/۵) اِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى ـ نمل (۸۰/۶) در این دو مورد فقط در ابتدای آیه ها تفاوت وجود دارد، در مورد اول با اضافه حرف (ف) و در دومی با کسر حرف (ف) آمده است و دنبالهٔ آیات تفاوتی ندارند، ودر سورهٔ روم بر لفظ «مسلمون» رکوع تمام می شود، اما در نمل یک آیه بعد رکوع تمام می شود یعنی تا پایان رکوع یک آیه اضافه است (سورهٔ روم دارای شش رکوع و (۵۳ آیه) ونمل دارای هفت رکوع (۹۳ آیه) است.

۲۸ـ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهٰذَا ـ سورهٔ فاطر (۱۲/۲) فُرَاتٌ وَهٰذَا ـ فرقان

(۵۳/۵) (فاطر دارای پنج رکوع و فرقان دارای شش رکوع است).

۲۹- وَبِالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ - سورهٔ فاطر (۲۵/۳) نیز وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ آل عمران (۱۸۴/۱۹) ودر سورهٔ نحل بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ بدون لفظ (والکتاب) آمده است.

۳۰- قَالُوا طٰٓئِرُكُمْ. سوره یس (۱۹/۲) قَالَ طٰٓئِرُكُمْ. نمل (۴۷/۴).

۳۱- وَكُلٌّ فِى فَلَكٍ - سورهٔ یس (۴۰/۳) كُلٌّ فِى فَلَكٍ - انبیاء (۳۳/۳).

۳۲- وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ - سورهٔ صٓفٰت (۸۵/۳) وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ - شعراء (۷۰/۵).

۳۳- وَذَا الْكِفْلِ ۝ وَكُلٌّ - سوره ص (۴۸/۴) وَذَا الْكِفْلِ ۝ كُلٌّ سورهٔ انبیاء (۸۵/۶).

۳۴- فَقَدْ رَحِمْتَهُ - سورهٔ مؤمن (۹/۱) فَقَدْ رَحِمَهُ ۝ سورهٔ انعام (۱۶/۲).

۳۵- وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۝ سورهٔ شوری (۲۶/۳) وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْ فَضْلِهِ ۝ سورهٔ روم (۴۵/۵) شوری دارای پنج رکوع (۵۳ آیه) و سورهٔ روم دارای شش رکوع (۶۰ آیه) است.

۳۶- بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ - سورهٔ زخرف (۱۷/۲) و أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثٰى ظَلَّ - سورهٔ نحل (۵۸/۷).

۳۷- قٰلَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ - سورهٔ زخرف (۲۴/۲) قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ. شعراء (۳۰/۲).

۳۸- لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ - سورهٔ زخرف (۶۸/۷) لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ. اعراف (۴۹/۶).

۳۹- وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فٰكِهِينَ ۝ كَذٰلِكَ. سوره دخان (۲۵/۱) نیز وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ كَذٰلِكَ. شعراء (۵۸/۴) و در سورهٔ دخان قبل از لفظ «مَقَامٍ» - و عُيُونٍ ۝ وَزُرُوعٍ است ودر شعراء وَعُيُونٍ وَكُنُوزٍ است.

۴۰- لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ. سورهٔ جاثیه (۱۲/۲) وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ - روم (۴۶/۵).

۴۱- مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى. سورهٔ محمد (۲۵/۳) و (۳۲/۴) مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدٰى. نساء (۱۱۵/۱۷).

۴۲- اِنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوا وَ صَدُّوْا عَنْ سَبِیْلِ اللّٰه ثُمَّ مَاتُوا. سورهٔ محمد (۳۴/۴) و اِنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا مَاتُوْا. بقره (۱۶۱/۱۹) عمران (۹۱/۹).

۴۳- عَلَیْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ اَعَدَّلَهُمْ. سورهٔ فتح (۶/۱) و عَلَیْهِ وَلَعَنَهُ وَاَعَدَّلَهُ. نساء (۹۳/۱۳).

۴۴- قُلْ فَمَنْ یَّمْلِکُ لَکُمْ مِنَ اللّٰه شَیْئاً. سورهٔ فتح (۱۱/۲) فَمَنْ یَّمْلِکُ مِنَ اللّٰه. سورهٔ مائده (۱۷/۳).

۴۵- وَ اِنَّ الظَّنَّ. سورهٔ نجم (۲۸/۲) اِنَّ الظَّنَّ. سورهٔ یونس (۳۶/۴).

۴۶- فِیْ جَنّٰتِ النَّعِیْمِ ○ در سورهٔ واقعه (۱۲/۱) قبل از لفظ عَلٰی سُرُرٍ- شش کلمه یعنی دو آیه اضافه است، اما در سورهٔ صٰفّٰت (۴۴/۴۳/۲) می خوانیم. فِیْ جَنّٰتِ النَّعِیْمِ ○ عَلٰی سُرُرٍ. ملاحظه می کنید که در اینجا آن دو آیه وجود ندارد و فرقهای دیگر را نیز از یاد نبرید.

۴۷- یَشْهَدُ اِنَّ الْمُنٰفِقِیْنَ. سورهٔ منافقون (۱/۱) یَشْهَدُ اِنَّهُمْ. سورهٔ توبه (۱۰۷/۱۳) و سورهٔ حشر (۱۱/۲) و در آخر رکوع شش سورهٔ توبه بجای «یَشْهَدُ» «یَعْلَمُ» آمده است.

۴۸- اَوَلَمْ یَرَوْا اِلَی الطَّیْرِ- سورهٔ ملک (۱۹/۲) اَلَمْ یَرَوْا اِلَی الطَّیْرِ. سورهٔ نحل (۷۹/۱۱).

۴۹- وَالَّذِیْنَ هُمْ لِفُروجِهِم تا عَلٰی صَلَوٰتِهِم یُحَافِظُوْن. آیات سورهٔ مؤمنون و معارج کاملاً با هم یکسانند، فقط این فرق وجود دارد که در سورهٔ معارج «وَالَّذِیْنَ هُمْ بِشَهٰدٰتِهِمْ قَآئِمُوْن ○ نیز هست و در مؤمنون این آیه نیست، فرق دوم صَلاٰتِهِم وَصَلَواتِهِم است که در فصل اول گذشت.

۵۰- اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّوْن. سورهٔ تطفیف (۳۲/۱) - اِنَّا لَضَآلُّوْن سورهٔ قلم (۲۶/۱).

فصل سوّم

در بیان مشابهاتی که برای یادگرفتن آنها علامات جداگانه ای مقرر شده است :

۱ـ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ و ـ إِنَّ الْمُتَّقِينَ ـ طریق شناخت این دو کلمه از هم این است که هر گاه بعد از کلمه «مُتَّقِين» حرف «فی» نیاید آنگاه إِنَّ لِلْمُتَّقِين می باشد، بطور مثال به بینید ـ ص (۴۹/۴) ، قلم (۳۴/۲) و نبأ (۳۱/۲) ـ وهرگاه بعداز کلمه «مُتَّقِين» حرف (فی) بیاید آنگاه «إِنَّ الْمُتَّقِين» می باشد . مثالش را در سوره های حجر (۴۵/۴) ،دخان (۵۱/۳) ذاریت (۱۵/۱) وطور (۱۷/۱) ، قمر (۵۴/۳) و مرسلٰت (۴۱/۲) بنگرید .

۲ـ بعد از «خَلَقَ وَ خَلَقَ » بر «ضاد» کلمهٔ وَالْأَرْض گاهی حرکت زبر وگاهی حرکت زیر می آید در این باره قاعده این است که هرگاه بر لام «خَلَقَ» زبر باشد بر «ضاد» و الارض نیز زبر می باشد بنگرید سورهٔ اعراف (۵۴/۷) هود (۷/۱) ، ابراهیم (۱۹/۳) ، فرقان (۵۹/۵) و حدید (۴/۱) وغیره . . .وهرگاه لام «خَلْقِ» ساکن باشد «ضاد» وَالْأَرْضِ نیز ساکن می باشد، بطور نمونه بنگرید : بقره (۱۶۴/۲۰) و آل عمران (۱۹۰/۲۰) ، کهف (۵۱/۷) و مؤمن (۵۷/۶) .

۳ـ حُدُودُاللّٰهِ، بر دال دوم این کلمه فقط دو حرکت (زبر و پیش) می آید ـ اگر قبل از آن «تِلْکَ» یا «وَتِلْکَ» باشد بر دال حرکت پیش می آید، بنگرید بقره (۱۸۷/۲۳) و (۲۲۹/۲۹) ، نساء (۱۳/۲) ، مجادله (۴/۱) وطلاق (۱/۱) و غیره . . . و اگر قبل از آن، این دو کلمه نباشند و لام هم نباشد پس درین صورت بر دال حرکت زبر می آید، بنگرید بقره (۲۲۹/۲۹) و طلاق (۱/۱) وغیره . . . و در سورهٔ توبه (۱۱۲/۱۴) چونکه قبل از آن لام آمده لذا دال «لِحُدُودِاللّٰهِ» حرکت زبر دارد . . .

۴ـ بر حرف «غین » در کلمه «غُرُورًاوالْغَرُور» گاهی حرکت زبر و گاهی پیش می آید، هرگاه این کلمه بعد از لفظ «بِاللّٰهِ» بیاید، در آنجا «غین» حرکت زبر خواهد داشت ـ بطور مثال بنگرید : لقمان (۳۳/۴) ـ فاطر (۵/۱) و حدید

(۱۴/۲) و اگر قبل از این کلمه، (لفظ) «بِاللّٰهِ» نباشد در آن صورت «غین» این کلمه حرکت پیش خواهد داشت ـ بنگرید آل عمران (۱۸۵/۱۹) ، نساء (۱۲۰/۱۸) ،اعراف (۲۲/۲) اسراء (۶۴/۷) ، حدید (۲۰/۳) و ملک (۲۰/۲) و غیره...

۵ـ قُلْ لِلّٰهِ وَقُلِ اللّٰهُ ـ طریق شناخت این دو کلمه از یکدیگر،این است که هر گاه (های) لفظ الله حرکت زیر داشته باشد آنجا قُـلْ لِلّٰهِ (باتشدید) خواهد بود، و اگر حرکت زبر یا پیش داشته باشد پس قُلِ اللّٰهُ (بغیر تشدید) می باشد مثال صورت اول انعام (۱۲/۲) و زمر (۴۴/۵) ومثال دوم انعام (۱۹/۲) و (۹۱/۱۱) وزمر (۱۴/۲) وغیره وَقُلِ اللّٰهُمَّ در هر دو جا بدون تشدید است.

۶ـ بر حرف ذال در کلمه «مُنْذِرِیْن» در حالات مختلف دو حرکت زبر وزیر در می آید، هرگاه قبل از این کلمه یکی از این سه لفظ : (۱) عَاقِبَةُ (۲) مَطَرُ (۳) صَبَاحُ بیاید آنگاه ذال این کلمه حرکت زبر خواهد داشت، بنگرید : یونس (۷۳/۸) صٰفّٰت (۷۳/۱) و (۱۷۷/۵) شعراء (۱۷۳/۹) ونمل (۵۸/۴) ، و هرگاه قبل از آن، یکی از این سه کلمه نیاید حرکت ذال زیر می باشد بطور مثال بنگرید : شعراء (۱۹۴/۱۱) وصٰفّٰت (۷۲/۲) ودخان (۳/۱).

۷ـ طریق شناخت «اِلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ وعَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ» این است که اگر قبل از آن‌ها یکی ازکلمات تَهْدِیْ ـ یَهْدِیْ ـ لَهَادِ ـ وَهَدَیْنٰهُمْ بیاید پس بعد از آنها اِلٰی صِرَاطٍ خواهد آمد، نگاه کنید : سوره بقره (۱۴۲/۱۷) و (۲۱۳/۲۶) انعام (۸۷/۱۰) یونس (۲۵/۳) حج (۵۴/۷) شوری (۵۲/۵) و غیره و اگر قبل از آن‌ها یکی از این کلمات نباشد پس عَلٰی صِرَاطٍ خواهد بود مانند :انعام (۳۹/۴) هود (۵۶/۵) یس (۴/۱) و غیره و در سورهٔ احقاف (۳۰/۴) یَهْدِیْ اِلَی الْحَقِّ وَاِلٰی طَرِیْقٍ مُّستقیمٍ آمده است و در سورهٔ حج (۶۷/۹) لَعَلٰی هُدًی مُّستَقِیْم است (البتّه این گونه موارد،برای کسانیکه به زبان عربی آشنایی دارند،اشکالی ایجادنخواهد کرد، مترجم).

۸ـ طریق شناخت اِسْم و اِثْم ـ اگر همزه آن همزه و صل باشد وخوانده

نشود در آنجا «اسم» است مانند :آل عمران (۴۵/۵) صف (۶/۱) مزمل (۸/۱) دهر (۲۵/۲) و سورۀالاعلی آیه ۱و ۱۵ و غیره و اگر همزه قطع باشد و خوانده شود در آنجا «اثم» است نگاه کنید : بقره (۸۵/۱۰) آل عمران (۱۷۸/۱۸) نور (۱۱/۲) ومجادله (۹/۲) وغیره‌و..

۹ـ طریق شناخت اُهِلَّ وَاُحِلَّ ـ اگر بعد از این کلمه «بِهٖ» یا (لِغَيْرِاللّٰهِ) بیاید پس با (ه) است یعنی اُهِلَّ مثال :بقره (۱۷۳/۲۱) مائده (۳/۱) ،انعام (۱۴۵/۱۸) ونحل (۱۱۵/۱۵) ـ و اگر بعد از آن یکی از این دو نباشد پس با (ح) است یعنی اُحِلَّ مثال : بقره (۱۸۷/۲۳) ،نساء (۲۴/۴) ،مائده (۴/۱) و (۹۶/۱۳) وحج (۳۰/۴) وغیره،اینگونه هم می توانیم بگوئیم که اگر بعد از آن لَكُمْ یا لَهُمْ باشد با (ح) و اگر نباشد با (ه) می آید .

۱۰ـ طریق شناخت اَهْدٰی وَاِخْدٰی ،اگر همزه حرکت زبر دارد پس اَهْدٰی و اگر حرکت زیر دارد اِحْدٰی است . مثال اول ملک (۲۲/۲) ،وغیره مثال دوم (قصص (۲۵/۳) وغیره .

۱۱ـ طریق شناخت جَاهَدُوْاوَجَحَدُوْا ـ اگر بعد از جیم الف باشد پس با (ه) یعنی جَاهَدُوا خواهد بود مثال :بقره (۲۱۸/۲۷) ،انفال (۷۲/۱۰) وتوبه (۲۰/۳) وغیره و اگر بعد از جیم الف نباشد پس با (ح) می باشد چنانچه در سورۀ نمل (۱۴/۱) موجود است .

۱۲ـ طریق شناخت کلمه لَاٰيَةً وَلَاٰيٰتٍ در سورۀ نحل، این کلمه در این سوره هفت مرتبه تکرار می شود که در دومین و هفتمین موارد (ی) دارای الف کوتاه و (ت) دارای تنوین جر می باشد و در پنج مورد دیگر (ی) مفتوح و (ت) دارای تنوین نصب می باشد، یا بعبارت دیگر در آیه های (۱۲و۷۹) لَاٰيٰتٍ هست و پنج تای باقی لَاٰيَةً می باشد .

۱۳ـ مُحْصَنٰتٍ اگر با صاد باشد حرکت زبر دارد،واگر با سین باشد حرکت زیر دارد مثال اول نساء (۲۴/۴) ،مائده (۵/۱) ،نور (۴/۱) و (۲۳/۳) ،مثال دوم مانند،لِلْمُحْسِنٰتِ مِنْكُنَّ احزاب (۲۹/۴) .

۱۴ـ اَثَرِوَاَسْر ـ اگر حرف دوم حرکت زبر دارد پس با (ث) و اگر ساکن است پس با سین می باشد مثال اول سورۀ طه (۸۴/۴) و (۹۶/۵) مثال

دوم سورهٔ دهر (۲۸/۲).

۱۵ـ کُنتُمْ بِهِ وکُنتُم بِهَا ـ بعداز (اَلّتِی» کُنتم بِهَا و بعد از (اَلّذِی) کُنتُمْ بِهِ می باشد ،مثال اول سبا (۴۲/۵) وطور (۱۴/۱) ومثال دوم سورهٔالسجده (۲۰/۲) وتطفیف (۱۷/۱).

۱۶ـ بعدازکلمه «سِیرُوا»در سورهٔ انعام (۱۱/۲) کلمه (ثُمّ انظُرُوا) آمده ودر جاهای دیگر (فَانظُرُوا) است ،مانند سورهٔ نحل (۳۶/۵) ،عنکبوت (۲۰/۲) و روم (۴۲/۵) و غیره...وبعد از «یَسِیرُوا» در همه جا «فَیَنظُرُوا»آمده ،بطور مثال :نگاه کنید روم (۹/۱) ، فاطر (۴۴/۵) مؤمن (۲۱/۳) و (۸۲/۹) ومحمد (۱۰/۱) وغیره...

۱۷ـ قبل ازکاف و راء فقط درکلمه (زکریّا) حرف (ز) آمده که در تمام قرآن هفت جا می باشد و در بقیّه موارد حرف ذال است مانند (ذِکرِنا ـ ذَکَرُوا ـ ذُکِّرْتُمْ ـ ذِکرٌ ـ یَذّکَرُونَ ـ تَذَّکَرُوا ـ یَتَذَکَّرُونَ ـ ذَکَرٍ ـ ذَاکِرِینَ ـ ذُکراناً ـ وغیره...

۱۸ـ میان کاف و (ب) همیشه حرف ذال می آید نه «ز» مانند : یَکذِبُونَ ـ کَاذِبٌ ـ کَذَّابٌ ـ کُذِبُوا ـ کُذِّبَتْ ـ مُکَذِّبِینَ ـ یُکَذِّبُ ـ تَکذِبُونَ ـ و میان عین و (ب) هم همیشه حرف ذال می آید مانند :عَذبٌ ـ عَذَاباً ـ یُعَذِّبُ ـ مُعَذِّبِینَ ـ وَعَذَّبْنٰهَا ـ لیکن یَعزُبُ ـ در سورهٔ یونس (۶۱/۷) وسبا (۳/۱) با «زاء» آمده که از این قاعده مستثنی است و میان نون و لام همیشه حرف «زاء» می‌آید . مانند :نَزَّلْنَا ـ نَزَلَ ـ یُنزِلُ ـ مُنَزِّلٌ ـ اَنزَلْتُ ـ و غیره ..

۱۹ـ قبل از عین و میم نیز حرف (ز) می آید مانند :یَزْعُمُونَ ـ زَعَمْتُمْ ـ غیره ...

۲۰ـ قبل از (حاوفا) و نیز قبل از (فاوحا) همیشه حرف صاد می آید . مانند :صُحُفٍ ـ صُحُفًا ـ وَاصفَحوا ـ صَفحًا ـ اما (مَسفُوحًا) در سورهٔ انعام (۴۶/۱۸) با سین آمده ـ واگر بعد از «ف» «ه» بیاید باز هم قبل از فا ـ سین می آید نه صاد ـ مانند :سَفِهَ ـ سَفِیهاً ـ سَفَاحَةٍ ـ سَفَهاً ـ و غیره...

۲۱ـ اگر «یَغفِرْ» و «یُؤخِّرْ» هر دو با هم بیایند یا بر حرف راء هر دو کلمه حرکت فتحه در می آید یامجزوم می باشد . یعنی اگر راء اول زبر باشد پس راء کلمه دوم هم زبر خواهد بود و اگر ساکن باشد پس راء دوم هم

ساکن خواهد بود مثال اول سورۂ ابراهیم (۱۰/۲) و مثال دوم سورۂ نوح (۴/۱) (یَغفِرْ) و (یُدْخِلْ) نیز همین حکم رادارند۔ یعنی دوم موافق اول خواهد بود ،بنگرید : صف (۱۲/۲) و یُکَفِّرْ و یُدْخِلْ، اگر باهم بیایند نیز در همین حکم داخل اند، چنانچه در سورۂ تغابن (۹/۱) راء و لام ساکن اند ودر سورۂ تحریم (۸/۲) بر راء و لام حرکت زیر آمده است .

۲۲۔ بعد از اَقِیمُوالصَّلٰوةَ «همواره» وَاٰتُوالزَّکٰوةَ وبعد از «اَقَامُواالصلٰوةَ «نیز» اتوالزکاة می آید مثال اول بقره (۸۳/۱۰) و (۱۱۰/۱۳) ،حج (۷۸/۱۰) ومزمل (۲۰/۲) و مثال دوم بقره (۲۷۷/۳۸) ، توبه (۵/۱) و (۱۱/۲) وحج (۴۱/۶) و غیره...وبعد از (اَقَامَ الصَّلٰوة) (واٰتَی الزکٰوة) می آید نگاه کنید :بقره (۱۷۷/۲۲) وغیره...

۲۳۔ وَالمِسکِینَ وَابْنَ السَّبِیْل اگر (ن) کلمه اول حرکت زبر دارد (ن) کلمه دوم نیز دارای همان حرکت است و اگر حرکت زیر دارد پس (ن) کلمه دوم نیز حرکت زیر دارد مثال اول اسراء (۲۶/۳) وروم (۳۸/۴) مثال دوم بقره (۲۱۵/۲۶) ، انفال (۴۱/۵) و حشر (۷/۱) اما در سورۂ بقره (۱۷۷/۲۲) هر دونون مفتوح هستند.

۲۴۔ در کلمۂ «یَذَّکَّرُ» اگر میان «ی» و «ذ» حرف «ت» نباشد و «ک» هم حرکت فتحه داشته باشد پس بر ذال و کاف هر دو تشدید می آید بنگرید :اسراء (۴۱/۵) ،فرقان (۵۰/۵) و (۶۲/۶) وعبس و اگر قبل از ذال تاباشد فرقی نیست خواه قبل از حرف «ت»،«ی» باشد یا نباشد در این صورت بر حرف کاف تشدید می آید نه بر ذال مانند :انعام (۱۵۲/۱۹) ، اعراف (۳/۱) ، هود (۲۴/۲) و (۳۰/۳) ،نمل (۶۲/۵) ،قصص (۴۳/۵) ومؤمن (۵۸/۶) وغیره...واگر کاف حرکت ضمه داشته باشد پس ذال ساکن و کاف بدون تشدید می باشد بنگرید :نساء (۱۴۲/۲۱) ومریم (۶۷/۵) و غیره...

وکلمۂ یَزَّکّٰی نیز در همین حکم داخل است ۔ یعنی اگر میان یا و زا تا نباشد پس برزاوکاف هر دو تشدید می آید بنگرید سوره عبس (۷/۱) اگر تا باشد پس «ز» بدون تشدید و «ک» با تشدید می آید بنگرید (طه)

(۷۶/۳)، اعلی (۱۴/۱) و سورهٔ لیل (۱۸/۱) وغیره...

۲۵ـ بعد از يَدَيْهِ همواره مِنْ خَلْفِهِ و بعد از اَيْدِيهِمْ... خَلْفَهُمْ می آید مثال اول فصّلت (۴۲/۵) و جن (۲۷/۲) و غیره... ومثال دوم فصلت (۱۴/۲) و (۲۵/۳) وغیره..

۲۶ـ يٰبُنَيَّ ـ درین کلمه هرگاه حرف «ب» ضمه داشته باشد نون مفتوح می شود بنگرید هود (۴۲/۴)، یوسف (۵/۱)، لقمان (۱۳/۲) وصٰفّٰت (۱۰۲/۳) وهرگاه «ب» حرکت فتحه داشته باشد نون حرکت کسره خواهد داشت ـ بقره (۱۳۲/۱۶) ویوسف (۶۷/۸) و (۸۷/۱۰).

۲۷ـ اگر قبل از کلمهٔ «السَّمٰوٰتُ» حرف «فِیْ» نباشد پس بعد از آن «وَ مَا فِی الْاَرْضِ» یا «وَفِی الْاَرْضِ» نمی آید، بلکه «وَالْاَرْضِ» می آید مانند: «مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ» ـ بقره (۱۰۷/۱۳) وآل عمران (۱۸۹/۱۹)، مائده (۱۷/۳) و (۴۰/۶) وغیره...، و «مِيْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ» آل عمران «۱۸۰/۱۸» و حدید (۱۰/۱) و «غَيْبُ السَّمٰوٰت وَالْاَرْضِ» نحل «۷۷/۱۱» فاطر (۳۸/۵) و حجرات (۱۸/۲) وغیره... و «جُنُوْدُ السَّمٰوٰت وَالْاَرْض» فتح «۴/۱» و «بَدِيْع السَّمٰوٰت وَالْاَرْضِ» بقره (۱۱۷/۱۴) وانعام (۱۰۱/۱۳) و «نُوْرُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ» نور (۳۵/۵) «وخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ» جاثیه (۲۲/۳) و «مَاخَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ» احقاف (۳/۱) وغیره... وبعد از «مَافِی السَّمٰوٰت» کلمه «وَالْاَرْضِ» در سوره های بقره (۱۱۶/۱۴)، نساء (۱۷۰/۲۳) ـ انعام (۱۲/۲)، نحل (۵۲/۷)، عنکبوت (۵۲/۶)، لقمان (۲۰/۳) و حشر (۲۴/۳)، حدید (۱/۱) وتغابن (۱/۱) نیز آمده است چونکه در این موارد اکثراً اشتباه می شود لذا آنها رایادآوری کردیم[1] و در مواردی مانند «فِی السَّمٰوٰتِ وَفِی الْاَرْضِ» یا «وَالْاَرْضِ» یا «مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِی الْاَرْضِ یا وَالْاَرْضِ» چون اشتباه نمی شود از ذکر آنها خود داری کردیم.

۲۸ـ در کلمهٔ «بَشَرٌ مِثْلُكم» «یا» «مِثْلُنَا» اگر بر لام «مِثْل» حرکت ضمه باشد پس

۱ـ «اَلَا اِنَّ لِلّٰهِ مافی السّمٰوات و الارض» در سورهٔ یونس (۵۵/۶) و نور (۶۴/۹) آمده که در فصل پنجم ذکر خواهد شد، لذا اینگونه موارد مجموعاً یازده مورد هستند

بر «ر»بشر نیز ضمه می آید و اگر فتحه باشد پس بر «ر»«بَشَرٌ» نیز فتحه می آید مثال اول انبیاء (۳/۱) ومؤمنون (۲۴/۲) وغیره... مثال دوم (مؤمنون (۳۴/۳) وغیره... در حقیقت لفظ «مِثلُ» بعد از کلمه «بَشَرٌ»است اما با این حال«مِثلُ» را به این دلیل اصل قرار داریم که در حرکت لام او اشتباه نمی شود بلکه تنها به حرکتها«ر» کلمه «بَشَرٌ»اشتباه می شود.

۲۹ـ لَآيَةً ولَآيتٍ ـ هر گاه بعد از یا الف نباشد در همه جا تا تنوین نصب در می آید و لی اگر الف باشد تنوین جر (زیر) در می آید.

توجه : این قاعده مخصوص کلماتی است که در اول آنها لام می آید زیرا محل اشتباه این نوع کلمات می باشد.

۳۰ـ اگر کلمه لَعِب و لَهوٌ باهم بیایند پس همیشه لَعِبٌ اول می آید بنگرید :انعام (۳۲/۴) و (۷۰/۸) و محمد (۳۶/۴) وحدید (۲۰/۳) فقط در سورهٔ اعراف (۵۱/۶) و عنکبوت (۶۴/۷) لَهوٌ قبل از لَعِبٌ آمده است.

۳۱ـ هُدَى اللّهِ و هَدَى اللّهُ ـ اگر «ه» هدی ضمه داشته باشد های لفظ الله مکسور می باشد بقره (۱۲۰/۱۴) و غیره و اگر «ه» هَدَی زبر داشته باشد «ه» لفظ الله مضموم می باشد (انعام ۹۰/۱۰).

فصل چهارم

این فصل که شامل علامات و یژه ای است به چهار قسمت تقسیم می‌شود.

قسم اول

مشابهاتیکه برای یادگیری اعراب آنها حرکت اولین حرف نام سورهٔ را علامت قرار داده ایم یعنی حرف آغازین نام سوره چه حرکتی دارد. آن کلمه نیز دارای همان حرکت است .اینگونه مشابهات نه تاست :

۱ـ إِنَّهُ تَذكِرَةٌ سوره مدثر (۵۴/۲) وَإِنَّهاتَذكِرَةٌ (سوره عبس آیه ۱۱) ببینید

حرف اول مدثر (یعنی م) حرکت ضمه دارد لذا حرف (ه) در إِنَّهُ نیز حرکت ضمه دارد و حرف اول عبس یا اعمی (یعنی عین یا همزه) حرکت فتحه دارد بنابراین «ها»درکلمه «إِنَّهَا»نیز حرکت فتحه دارد وبقیه موارد را همینگونه مقایسه کنید. ما در آینده هر یک را جداگانه تشریح نمی کنیم فقط قاعده را در نظر داشته باشید که سوره چه نام دارد وحرکت حرف اولش چیست. کلمه مشابه نیز دارای همان حرکت است.

۲ـ لَهُ الْعَذَابُ (سوره فرقان ۶۹/۶) و لَهَاالعَذَابُ (سورهٔ احزاب ۳۰/۴).

۳ـ مَـوْتَتَنَاالْـأُولَى (سـورهٔ صـفت ۵۹/۲) و مَـوْتَتَنَاالْـأُولَى (سوره دخان ۳۵/۲).

۴ـ كَذَّبُواالرُّسُلَ (سورهٔ فرقان ۳۷/۴) و كَذَّبَ الرُّسُلَ سورهٔ ص (۱۴/۱) و ق (۱۴/۱).

۵ـ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ سورهٔ یوسف (۶/۱) وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ سورهٔ فتحنا (۲/۱).

۶ـ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ وَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ سورهٔانفال (۶/۱و۷) ونيز يُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّسورهٔ یونس (۸۲/۸). نیز و يُحِقُّ الْحَقَّ سورهٔ شوری (۲۴/۳) در این جا حرکت (ق) را در انفال بوسیله حرکت همزه و در یونس بوسیله حرکت «یا» و در شوری بوسیلهٔ حرکت (ش) بخاطر بسپارید.

۷ـ أَوَ لَوْكَانَ أَبَآءُهُمْ لاَ يَعْقِلُونَ شَيئاً ـ أَوَ لَوكَانَ أَبَآءُهُمْ لاَ يَعْلَمُوْنَ شَيئاً ـ طریق تمیّز این دو مورد از هم این است که لاَيَعْقِلُوْنَ (باقاف) در سورهٔ بقره (۱۷۰/۲۱) است یعنی درنام سوره (ق) است و در این کلمه هم (ق) است وَلاَيَعْلَمُونَ با (م) در سورهٔ مائده (۱۰۴/۱۴) است. در نام سوره «م» است و در این‌کلمه هم حرف «م»وجود دارد.

۸ـ فِيمَا فَعَلْنَ فِى أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ـ سورهٔ بقره (۲۳۴/۳۰) و... مِنْ مَعروفٍ ٥ در همان سوره (۲۴۰/۳۱) در ترتیب حروف تهجی نخست «ب» می آید سپس «م» در اینجا هم اینچنین است که اول «با» یعنی (بِالْمَعْرُوف) و سپس «م» یعنی مِنْ مَعرُوف آمده است.

۹ـفَأَنَّ لَهُ نَارَـ سوره توبه (۶۳/۸) فَإِنَّ لَهُ نَارَ سورهٔ جن (۲۳/۲).

قسم دوم

مشابهاتی که برای شناخت آنها حرکت اولین حرف کلمه ای که سوره با آن آغاز می شود علامت قرار داده شده است نه حرکت حرف اولِ نام سوره، و این گونه متشابهات سه تا هستند.

۱۰/۱- وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ سورهٔ اسراء (۹/۱) نیز وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ سورهٔ کهف (۲/۱) ملاحظه فرمایید،نخستین کلمه سوره اسراء «سُبْحَانَ الَّذِی»است وحرف (سین) حرکت ضمه دارد حرف (ر) درکلمهٔ (يُبَشِّرُ) نیز حرکت ضمه دارد و کلمه آغازین سوره کهف اَلْحَمْدُ است وهمزه آن حرکت فتحه دارد حرکت (ر) يُبَشِّرَنیز فتحه است، در ضمن این نکته را نیز به خاطر بسپارید که در همین آیات در سوره اسراء (اَجْراً كَبِيراً) ودر کهف (اَجْراً حَسَنا) است.

۱۱/۲- آيَاتِنَا كُلَّهَاسوره طه (۵۶/۳) وَبِاٰيَتِنَا كُلِّهَاسورهٔ قمر (۴۲/۳) در اینجا نخستین حرف سوره طه که (ط) است حرکت فتحه دارد لذالام«كُلَّها»نیز دارای همان حرکت است، و همزه اولین کلمه سوره قمر (اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ) مکسور است از این جهت لام«كُلِّهَا»هم مکسور می باشد.

۱۲/۳- يُنْزَفُونَ سورهٔ صٰفّٰت (۴۷/۲) يُنْزِفُونَ سورهٔ و اقعه (۱۹/۱).

قسم سوم

در مورد مشابهاتی است که برای شناخت آنها این علامت تعیین شده که کلمه داخل پرانتز در اولین سوره ،جلوتر و در دومین سوره بعد ذکر شده است و این نوع مشابهات یازده تاست.

۱۳/۱ (نَحْنُ) وَآبَآءُنَا هٰذَا سورهٔ مؤمنون (۸۳/۵) وهمچنین هٰذَا (نَحْنُ) وَآبَاءُنَا.همانگونه که ملاحظه می فرمایید، کلمه نحن در مورد اول جلوتر از مورد دوم آمده است.

۱۴/۲ ـ (لِلنَّاسِ) فِی هٰذَاالْقُرآنِ سورهٔ اسراء (۸۹/۱۰) فِی هٰذَاالْقُرآنِ (لِلنَّاسِ) سوره کهف (۵۴/۸) و در سوره اسراء (۴۸/۵) فقط «فِی هٰذَاالْقُرآنِ» آمده بدون کلمه «لِلنَّاسِ» در سورهٔ فرقان (۵۰/۵) وَلَقَد صَرَّفْنٰهُ آمده باحذف هر دو کلمه.

۱۵/۳ وَاِنَّنَالَفِی شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا سورهٔ هود (۶۲/۶) وَاِنَّا لَفِیْ شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا سورهٔ ابراهیم (۹/۲) سورهٔ هود قبل از سورهٔ ابراهیم است لذاکلمه ای که دارای دو (ن) است (اِنَّنَا) در این سوره اول آمده و سوره ابراهیم بعد از سوره هود است لذا کلمه ای که دارای دو «ن» است «تَدعونَنَا»بعد آمده است.

۱۶/۴ (بِالْقِسطِ) شُهَدَآءَلِلّٰهِ سورهٔ نساء (۱۳۵/۲۰) ـ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ (بِالْقِسطِ) سورهٔ مائده (۸/۲).

۱۷/۵ (رَجُلٌ) مِنْ اَقْصَاالْمَدِیْنَةِ سورهٔ قصص (۲۰/۲) مِنْ اَقْصَاالْمَدِیْنَةِ (رَجُلٌ) سورهٔ یس (۲۸/۲).

۱۸/۶ بعد از یَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ کلمه ما (لاَیَضُرُّهُمْ) وَلاَ یَنْفَعُهُمْ سورهٔ یونس (۱۸/۲) وَمَالاَ یَنْفَعُهُمْ و (لاَیَضُرُّهُمْ) سورهٔ فرقان (۵۵/۵) ودر سورهٔ نحل (۷۳/۱۰) می خوانیم وَیَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنَ اللّٰهِ مَا لاَ یَمْلِکُ ودر سوره حج (۷۱/۹) است وَیَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ ـ پس فقط در همین چهار مورد است که

آیه با کلمه «وَيَعْبُدُونَ» آغاز می گردد.

۱۹/۷ (لاَ اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ) خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ. سورهٔ انعام (۱۰۲/۱۳) و خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ (لاَ اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ) سورهٔ مؤمن (۶۲/۷).

۲۰/۸ (عَلٰى شَيْءٍ) مِمَّا كَسَبُوا. سورهٔ بقره (۲۶۴/۳۶) و مِمَّا كَسَبُوا (عَلٰى شَيْءٍ) سورهٔ ابراهیم (۱۸/۳).

۲۱/۹ (لَعِبًا) وَلَهْوًا سوره انعام (۷۰/۸) و لَهْوًا وَ (لَعِبًا) سورهٔ اعراف (۵۱/۶).

۲۲/۱۰ (لَاَوَّاهٌ) حَلِيمٌ - سوره توبه (۱۱۴/۱۴) و لَحَلِيمٌ (اَوَّاهٌ) سوره هود (۷۵/۷).

۲۳/۱۱ تِلْكَ آيَاتُ (الْكِتٰبِ) وَقُرْآنٍ مُبِينٍ سوره حجر (۱/۱) وتِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ سوره نمل (۱/۱).

قسم چهارم

مشابهاتیکه هر یک دارای علایم جداگانه‌ای است و آنها بشرح ذیل اند:

۲۴/۱ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا سوره مؤمنین (۱۹/۱) كَثِيرَةٌ مِنْهَا سوره زخرف (۷۳/۷) در اینجا علامت این است که در نام سوره مؤمنون حرف و او هست لذا این کلمه آنجا باواو آمده یعنی (وَمِنهَا) و در نام سورهٔ زخرف واو نیست لذا در این سوره کلمهٔ «مِنهَا» بدون و او آمده است.

۲۵/۲ در سوره یوسف (۲۵/۳) کلمهٔ «قَمِيصُهُ» چهار بار آمده که در اول و چهارم حرف «ص» حرکت زبر و در دوم و سوم حرکت ضمه دارد یا اینکه هرکجا همراه باکلمه «كَانَ» آمده (یعنی در صورت دوم و سوم) آنجا حرکت ضمه دارد و در صورت اول و چهارم که بدون کلمهٔ «كَانَ» آمده

آنجا حرف «ص» حرکت فتحه دارد، لازم به یادآوری است که در مورد سوم بعد از «قَمِيصُهُ» «مِن قُبُلٍ» آمده و در بقیه سه مورد دیگر (مِن دُبُرٍ) است.

۲۶/۳ وَنِعْمَ اَجْرُالْعَامِلِيْنَ در سوره آل عمران (۱۳۶/۱۴) با (واو) ودر سوره زمر (۷۴/۸) با (فا) «فَنِعْمَ» و در سوره عنکبوت (۵۸/۶) بدون (واو) و (فا) «نِعْمَ» آمده است یابعبارت دیگر، اولی با و او و سومی با فا و وسطی از و او و فا خالی است. یا اینگونه بخاطر سپرد که آنکه دارای «ف» است درجزء «فَمَنْ اَظْلَمَ» (۲۴) است که با حرف فا شروع می شود ودر آل عمران با و او است و در عنکبوت بدون «ف» و «واو».

۲۷/۴ قَالَ اِنَّکَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ سوره کهف (۶۷/۹) ـ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ اِنَّکَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ ـ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّکَ اِنَّکَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ ـ سورهٔ کهف (۷۲/۷۵/۱۰) در اینجا این نکته را باید بخاطر سپرد که در هر مورد تدریجاً ارتقاء نموده وکلماتی چند اضافه شده است چنانکه مورد اول از همه کمتر و در دومی ۲ کلمه و در سومی سه کلمه افزوده شده است و این علامت در جاهای دیگر نیز بکار می رود مانند لَمُحْضَرُوْنَ اِلاَّ ـ سوره صٰفّٰت (۱۲۷/۴) ولَمُحْضَرُوْنَ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ اِلاَّ سوره صفت (۱۵۹/۵) در مورد اول چهارکلمه کمتر است و در دوم ارتقاء یافته چهارکلمه افزایش یافته‌است . همچنین می توان در دو رکوع متشابه، بزرگی و کوچکی رکوع راعلامت قرار داد. باین نحو که رکوع چهارم «صٰفّٰت» از رکوع بعدی کوچکتر است و در رکوع اول الفاظ نیز کمترند و در دوم بیشتر و نیز می توان عکس اینصورت و همچنین ارتقاء تدریجی را علامت قرار داد.

۲۸/۵ اگر در یک یا چند رکوع یا در تمام سوره یک کلمه چند بار تکرار شود مانند سوره جن رکوع اول که در آن چهارده آیه با کلمه وَاَنَّهُ ـ وَاَنَّا ـ وَاَنَّهُمْ ـ وَاَنَّ آغاز می شود برای تشخیص اینگونه موارد، بهترین طریقه این است

که همراه با کلمه تکرار شده یک یا چند کلمه دیگر افزوده شود و بطور شماره گذاری چندین بار تکرار گردد تا خوب در ذهن بماند انشاءالله بدین ترتیب موفق خواهید شد که تمام موارد رابه خاطر بسپارید.

فصل پنجم

آیات متشابهی که دارای اعراب یا الفاظ دوگانه اند که یکی از آندو در موارد کمتر و دوم در موارد بیشتر آمده است اول را (که کمتر است) ذکر کرده‌ایم و خاطر نشان ساخته ایم که موارد دیگر به صورت دوم آمده‌است. تفصیل این اجمال از خلال بحث معلوم می گردد.

۱ـ مَا تُبْدُونَ وَمَاكُنْتُمْ تَكْتُمُونَ سوره بقره (۳۳/۴) لفظ «كُنْتُمْ» فقط در همین یک مورد آمده است و در جاهای دیگر «مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ» است بطور مثال نگاه کنید سوره مائده (۹۹/۱۳) سوره نور (۲۹/۴) وغیره.

۲ـ فَاَخَذَتْكُمُ الصّٰعِقَةُ تنها در سوره بقره (۵۵/۶) آمده و در بقیه موارد فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ است نگاه کنید سوره نساء (۱۵۳/۲۲) و ذاریات (۴۴/۲) و در فصّلت (۱۷/۲) فَاَخَذَتْهُمْ صٰعِقَةُ بدون الف ولام آمده است.

۳ـ فَقَلِيْلاً مَّا يُؤْمِنُوْنَ...تنها یک جا در سوره بقره (۸۸/۱۱) و در موارد دیگر فَلاَ يُؤْمِنُوْنَ اِلاَّ قَلِيلاًـ است نگاه کنید سوره نساء (۴۶/۷) و (۱۵۵/۲۲).

۴ـ وَمَلٰئِكَتِهٖ وَرُسُلِهٖ ـ فقط در سوره بقره (۹۸/۱۲) ودر همه موارد دیگر و مَلٰئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ است ببینید سوره بقره (۲۸۵/۴۰) وسوره نساء (۱۳۶/۲۰).

۵ـ اِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ تنها در یک جای سوره بقره (۱۱۵/۱۴) آمده ودر بقیه شش مورد دیگر یعنی سوره بقره (۲۴۸/۳۲) و (۲۶۱/۳۶) و

(۲۶۸/۳۷) سوره آل عمران و (۷۳/۸) وسوره مائده (۵۴/۸) وسوره نور (۳۲/۴) وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ است.

۶ـ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَومِ الْاٰخِرِ ـ تنها یک جا در سوره بقره (۱۲۶/۱۵) است و در بقیه موارد (آمَنَ بِاللّٰه) بدون (مِنْهُمْ) آمده است نگاه کنید سوره بقره (۶۲/۸) و (۱۷۷/۲۲) سوره مائده (۶۹/۱۰) و غیره.

۷ـ مِنَ السَّمَآءِ مِن مَّآءٍ تنها یک جا در سوره بقره (۱۶۴/۲۰) آمده است ودر بقیه که بیست جای دیگرند مِنَ السَّمَآءِ مَآءً است که عبارتند از سورهٔ بقره (۲۲/۳) سوره انعام (۹۹/۱۲) سوره انفال (۱۱/۲) سوره رعد (۱۷/۲) سوره ابراهیم (۳۲/۵) سوره حجر (۲۲/۲) سوره نحل (۱۰/۲و۶۵/۸) سوره طه (۵۳/۲) سوره حج (۶۳/۸) سوره مؤمنون (۱۸/۱) سوره فرقان (۴۸/۵).

سوره نمل (۶۰/۵) سوره عنکبوت (۶۳/۶) سوره روم (۲۴/۳) سوره لقمان (۱۰/۱) سوره فاطر (۲۷/۴) سوره زمر (۲۱/۲) سوره زخرف (۱۱/۱) سوره ق (۹/۱).

۸ـ اُهِلَّ بِهٖ لِغَيْرِ اللّٰهِ ـ تنها درسوره بقره (۱۷۳/۲۱) آمده و در سه مورد دیگر اُهِلَّ لِغَيْرِاللّٰهِ بِهٖ است که عبارت اند از سوره مائده (۳/۱) سوره انعام (۱۴۵/۱۸) و سوره نحل (۱۱۵/۱۵).

۹ـ لفظ «مِن فَضْلِه» همیشه توأم است با«لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» جز در سوره بقره (۱۸۹/۲۳) که «وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» با«و» آمده است و در تمام موارد دیگر لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ بدون و او آمده است نگاه کنید سوره مائده (۶/۲) و (۸۹/۱۲) و غیره و اکثر در دو مورد یعنی سوره بقره (۱۸۹/۲۳) ومائده (۶/۲) اشتباه می شود.

۱۰ـ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ ـ تنها در سوره بقره (۱۸۷/۲۳) آمده است ودر

چهار جای دیگر یعنی سوره بقره (۲۴۲/۳۱) آل عمران (۱۰۳/۱۱) مائده(۸۹/۱۲) نور (۵۹/۸) لَكُمْ آيٰتِهٖ آمده و در جاهای دیگر «لَكُمُ الْاٰيٰات » می آید بطور مثال نگاه کنید به سوره بقره (۲۶۶/۳۶) و سوره نور (۶۱/۵۸/۸).

۱۱ـ غَنِيٌّ حَلِيمٌ سوره بقره (۲۶۳/۳۶) و غنی کریم سوره نمل (۴۰/۳) بجز این دو مورد در هر جای دیگر اَلْغَنِيُّ الْحَمِيدُ و «لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ یا غَنِيٌّ حَمِيدٌ»می آید بطور مثال نگاه کنید سوره ابراهیم (۸/۲) حج (۶۴/۸) لقمان (۲۶/۳) حدید (۲۴/۳) ممتحنه (۱/۶) و تغابن (۶/۱) وغیره هر گاه بر لفظ اول الف و لام بیاید بر دوم نیز الف و لام خواهد آمد ودر این صورت نون تنوین هم نمی آید و در دو مورد دیگر لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْن آمده که عبارت اند از آل عمران (۱۰) وعنکبوت (۶/۱).

۱۲ـ يُكَوِّرُ الَّيْلَ عَلَى النَّهارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى الَّيْلِ تنها در سوره زمر (۵/۱) آمده است و تُوْلِجُ الَّيْلَ فِى النَّهارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِى الَّيْلِ د رآل عمران (۲۷/۳) باحرف تا آمده یعنی «تُولِجُ» و در موارد دیگر با «یا» یعنی «يُوْلِجُ»که عبارتند از سوره حج (۶۱/۸) لقمان (۲۹/۳) فاطر (۱۳/۲) وحدید (۶/۱).

۱۳ـ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ تنها در سوره آل عمران (۴۸/۵) آمده وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتٰبَ در سوره بقره (۱۵۱/۱۸) آمده و دربقیه موارد وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ است نگاه کنید سوره بقره (۱۲۹/۱۵) آل عمران (۱۶۴/۱۷) جمعه (۲/۱).

۱۴ـ وَلٰكِنْ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ تنها در سوره آل عمران (۱۱۷/۱۲) آمده ودر تمام موارد دیگر وَلٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ می باشد نگاه کنید سوره بقره (۵۷/۶) اعراف (۱۶۰/۲۰) توبه (۷۰/۹) نحل (۳۳/۴) و (۱۱۸/۱۵) عنکبوت (۴۰/۴) و روم (۹/۱).

۱۵ـ هٰاَنْتُمْ اُولَآءِ تنها در آل عمران (۱۱۹/۱۲) آمده و در سه مورد دیگر

هَـاَنْتُمْ هـٰؤُلاءِ آمده که عبارت اند از آل عمران (۶۶/۷) سوره نساء (۱۰۹/۱۶) محمد (۳۸/۴).

۱۶ـ مُنْزَلِيْنَ به فتح «ز» تنها در آل عمران (۱۲۴/۱۳) آمده و در جاهای دیگر «مُنْزِلِيْنَ» و مُنْزِلُوْنَ بکسر «ز» است نگاه کنید سورهٔ عنکبوت (۳۴/۴) و یس (۲۸/۲) وغیره.

۱۷ـ (وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِيْنَ) به ضم تا تنها در سوره آل عمران (۱۳۸/۱۴) آمده است و در سه جای دیگر (مَوْعِظَةً) به فتح تا آمده،نگاه کنید سوره بقره (۶۶/۸) مائده (۴۶/۷) ونور (۳۴/۴).

۱۸ـ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اُوْتُوالْكِتٰبَ ـفقط در سوره نساء (۴۷/۷) (وياَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوا) تنها سوره تحریم (۷/۱) آمده و در موارد دیگر (يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا) است که در تمام قرآن هشتاد و هشت با ر آمده است.

۱۹ـ اِلاَّ قَلِيلٌ مِنْهُمْ به ضم لام فقط در سوره نساء (۶۶/۹) آمده و در جاهای دیگر (اِلاَّ قَلِيلاً مِنْهُمْ) به فتح لام است نگاه کنید بقره (۲۴۶/۳۲) و (۲۴۹/۳۳) و غیره.

۲۰ـ تَأْلَمُوْنَ وَيَأْلَمُوْنَ تنها در سوره نساء (۱۰۴/۱۵) آمده که دو مورد آنها با «ت» و یکی با«ی» است و در بقیه قرآن يَعْلَمُوْنَ يا تَعْلَمُوْنَ بچشم می خورد نگاه کنید، اعراف (۲۸/۳) و (۳۳/۴) و غیره.

۲۱ـ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ تنها در سوره نساء (۱۱۳/۱۷) آمده ودر جاهای دیگر «عَلَيْكُمْ» آمده است نگاه کنید سوره بقره (۶۴/۸) ونساء (۸۳/۱۱) نور (۱۰/۱)، (۱۴/۲)، (۲۱/۳).

۲۲ـ اُولٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا تنهایک جا در سورهٔ نساء (۱۵۱/۲۱) آمده و در جاهای دیگر مانندسوره‌انفال (۴/۱) و (۸۴/۱۰) «اُولٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا»است.

۲۳ـ «ثُمَّ اتَّخَذُوالعِجلَ »تنها یکجا در سوره نساء (۱۵۳/۲۲) آمده و در بقیه موارد مانند سوره بقره (۵۱/۶) و (۹۲/۱۱) «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ العِجْلَ »است ودر سوره اعراف (۱۵۲/۱۹) می خوانیم (اِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوالعِجلَ).

۲۴ـ بعد از کلمه «لِلكٰفِرِينَ» و «لِلظّٰلِمِينَ» متصلاً «عَذَاباً مُّهِيناً»یا«اَلِيماً» می آید نگاه کنید سوره نساء (۳۷/۶) فرقان (۳۷/۴) و غیره فقط در سوره نساء (۱۶۱/۲۲) می خوانیم لِلكٰفِرِينَ مِنهُمْ عَذَاباً اَلِيماً یعنی کلمهٔ «مِنهُمْ»فاصل است.

۲۵ـ يَبتَغُونَ فَضلاً مِن رَّبِّهِمْ وَرِضوَاناً تنها در سوره مائده است ودر دو مورد دیگر یعنی سوره فتح (۲۹/۴) حشر (۸/۱) بجای «مِن رَّبِّهِمْ»کلمه «مِنَ اللّٰهِ» می آید.

۲۶ـکلمه ذَكَّيتُمْ تنها در سوره مائده با حرف ذال آمده و بقیه کلماتی که با آن مشابه هستند مثل زَكّٰهَاـ وَزَكٰوةًـ وَيُزَكِّيهِمْ ـ تَزَكّٰى ـ يَتَزَكّٰى ـ يَزَّكّٰىـ همه به حرف «ز» هستند.

۲۷ـ وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوا اِن كُنتُمْ مُّؤمِنِينَ تنها در سوره مائده (۲۳/۴) آمده و در بقیه موارد «وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ المُؤمِنُونَ »می باشد نگاه کنید آل عمران (۱۲۲/۱۳) و (۱۶۰/۱۷) ومائده (۱۱/۲) و توبه (۵۱/۷) وابراهیم (۱۲/۲) و مجادله (۱۰/۲) و تغابن (۱۳/۲) ودر سوره ابراهیم (۱۱/۲) «وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ المُتَوَكِّلُونَ»ویوسف«(۶۷/۸) «عَلَيهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيهِ فَلْيَتَوَكَّلِ المُتَوَكِّلُونَ »ودر زمر (۳۸/۴«عَلَيهِ يَتَوَكَّلُ المُتَوَكِّلُونَ»می خوانیم.

۲۸ـ لِيَفتَدُوابِهٖ تنها در مائده (۳۶/۶) آمده و در بقیه موارد مانند: سوره رعد (۱۸/۲) زمر (۴۷/۵) لَافتَدَوا بِهٖ است و در یونس (۵۴/۶) «لَافتَدَتْ بِهٖ»است.

۲۹ـ يَغفِرُوَيُعَذِّبُ در پنج محل باهم آمده اند که عبارتند از بقره

(۲۸۴/۴۰) آل عمران (۱۲۹/۱۳) مائده (۱۸/۳) و (۴۰/۶) فتح (۱۴/۲) واز این پنج مورد تنها در سوره مائده (۴۰/۶) «یُعَذِّبُ» جلوتر از «وَیَغْفِرُ» آمده و در چهار مورد دیگر اول «یَغْفِرُ» وبعد «یُعَذِّبُ» می آید. و در سوره بقره «فَیَغْفِرُ» با «ف» و در عنکبوت (۲۱/۲) بعد از «یُعَذِّبُ» «یَرْحَمُ» آمده یعنی در آنجا «یَغْفِرُ» نیست نه در اول و نه در آخر.

۳۰ـ إِنَّ اللّٰهَ لاَ یَهْدِی الْقَوْمَ الْکٰفِرِیْنَ تنها در سوره مائده (۶۷/۱۰) آمده ودر موارد دیگر «وَاللّٰهُ لاَیَهْدِی» می باشد. ملاحظه شود سورهٔ بقره (۲۶۴/۳۶) توبه (۳۷/۵).

۳۱ـ وَالصّٰبِئُونَ تنها در سوره مائده (۶۹/۱۰) ودر مورد دیگر یعنی (۶۲/۸) وحج (۱۷/۲) وَالصّٰبِئِیْنَ آمده.

۳۲ـ وَصِیلَةٍ با «ص» تنها یک مورد در سوره مائده (۱۰۳/۱۴) آمده ودر هر جای دیگر «اَلْوَسِیْلَةَ» با «س» آمده است، نگاه کنید سوره مائده (۳۵/۶) اسراء (۵۷/۶).

۳۳ـ اَلَّذِیْنَ کَفَرُوا یَفْتَرُوْنَ تنها در سورهٔ مائده (۱۰۳/۱۴) آمده و در موارد دیگر اَلَّذِیْنَ یَفْتَرُوْنَ است، نگاه کنید سوره یونس (۶۹/۷) و نحل (۱۱۶/۱۵) وغیره.

۳۴ـ کَفَرُوا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَا ـ فقط در سورهٔ مائده (۱۱۰/۱۵) آمده و در موارد دیگر کَفَرُوا اِنْ هٰذَا آمده بدون «مِنْهُمْ» نگاه کنید سوره انعام (۷/۱) هود (۷/۱) وفرقان (۴/۱).

۳۵ـ لاَمُبَدِّلَ لِکَلِمٰتِ اللّٰهِ تنها در سوره انعام (۳۴/۴) آمده و در موارد دیگر لاَمُبَدِّلَ لِکَلِمٰتِهِ آمده است نگاه کنید سوره انعام (۱۱۶/۱۴) کهف (۲۷/۴).

۳۶ـ تنها در سوره انعام (۶۰/۷) می آید ثُمَّ یُنَبِّئُکُمْ و در سوره یونس (۲۳/۳) فَنُنَبِّئُکُمْ و عنکبوت (۸/۱) و لقمان (۱۵/۲) فَاُنَبِّئُکُمْ و در سوره

لقمان (۲۳/۳) فَنُنَبِّئُهُمْ می خوانیم و سوای این پنج مورد در جاهای دیگر فَيُنَبِّئُكُمْ (یا) فَيُنَبِّئُهُمْ یاثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ است نگاه کنید سوره انعام (۱۰۸/۱۳) و (۱۵۹/۲۰) زمر (۷/۱) مجادله (۶/۱) و (۷/۲) و غیره توجه داشته باشید که در این جا مواردی ذکر شد که بعد از آنها بِمَا كُنتُمْ یابِمَا كَانُوا یا بِمَا عَمِلُواآمده.

۳۷ـ تنها در انعام (۸۷/۱۰) می خوانیم وَمِنْ اٰبَائِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ ودر مواردی دیگر من اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ آمده است.

۳۸ـ تنها در سوره انعام (۹۰/۱۰) می خوانیم اِلاَّ ذِكْرىٰ لِلْعٰلَمِيْنَ و در جاهای دیگر اِلاَّ ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ آمده نگاه کنید سوره یوسف (۱۰۴/۱۱) ص (۸۷/۵) قلم (۵۲/۲) و تکویرآیه (۲۷).

۳۹ـ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ تنها در سوره انعام (۹۶/۱۲) آمده وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ با (تا) تنها در آل عمران (۲۷/۳) و در یونس (۳۱/۴) روم (۱۹/۲) وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ با (یا) می باشد.

۴۰ـ تنها در سوره انعام (۱۰۰/۱۲) می خوانیم اِنَّ فِى ذٰلِكُمْ و در بقیه موارد اِنَّ فِى ذٰلِكَ آمده است.

۴۱ـ بِالْمُعْتَدِيْنَ تنها در سورهٔ انعام (۱۲۰/۱۴) آمده و در جاهای دیگر بِالْمُهْتَدِيْنَ می باشد نگاه کنید: سورهٔ انعام (۱۱۸/۱۴) ونحل (۱۲۵/۱۶) وقصص (۵۶/۶) قلم (۷/۱) و غیره.

۴۲ـ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلاَّ الظَّنَّ وَاِنْ اَنْتُمْ تنها در سورهٔ انعام (۱۴۸/۱۸) آمده ودر موارد دیگر مانند انعام (۱۱۶/۱۴) یونس (۶۶/۷) اِنْ يَتَّبِعُوْنَ اِلاَّ الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ آمده و در نجم (۲۳/۱) و (۲۸/۲) تنها اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلاَّ الظَّنَّ بدون «اِنْ هُمْ» آمده.

۴۳ـ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ كٰفِرُوْنَ تنها در سورهٔ اعراف (۴۵/۵) ودر بقیه موارد هُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ آمده است نگاه کنید :سورهٔ هود (۱۹/۲) یوسف (۳۷/۵) نمل

(۳/۱) لقمان (۴/۱) فصّلت (۷/۱) اما در نمل و لقمان بجای كَفِرُونَ - يُوقِنُوْنَ می خوانیم و در سورهٔ بقره (۴/۱) می خوانیم «وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوقِنُون».

۴۴- لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا تنها در اعراف (۵۱/۶) آمده و در بقیه موارد لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا است نگاه كنيد: سورهٔ انعام (۱۳۱/۱۶) الم السجده (۱۴/۲) زمر (۷۱/۸) جاثیه (۳۴/۴).

۴۵- لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا - تنها در اعراف (۵۹/۸) آمده و در بقیه موارد وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا می باشد ملاحظه فرمايد: سورهٔ هود (۲۵/۳) مؤمنون (۲۳/۲) حدید (۲۶/۴) عنکبوت (۱۴/۲) باید دانست که این قاعده تنها با کلمهٔ «نُوْحًا» است و گرنه در سورهٔ نحل (۶۳/۸) حدید (۲۵/۳) نیز لَقَدْ اَرْسَلْنَاآمده است خلاصه اینکه لَقَدْ اَرْسَلْنَا همراه با کلمه نُوْحًا تنها یک جا است و مطلقا «لَقَدْ اَرْسَلْنَا»در سه جا آمده و در بقیه موارد «وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا»با «واو» آمده است.

۴۶- «وَمَاكَانَ جَوَابَ »تنها در اعراف (۸۲/۱۰) آمده و در بقیه موارد فَمَاكَانَ جَوَابَ آمده.

۴۷- «تُوْعِدُوْنَ » (به کسرعین) تنها در سورهٔ اعراف (۸۶/۱۱) آمده ودر تمام موارد دیگر «تُوعَدُوْنَ» (به فتح عين) می آید. ملاحظه شود سورهٔ فصّلت (۳۰/۴) ذاريات (۲۲/۱) وغيره.

۴۸- اَلْغٰفِرِيْنَ با«ر» تنها در سورهٔ اعراف (۱۵۵/۱۹) آمده و در تمام موارد دیگر «غٰفِلِيْنَ»يا«اَلْغٰفِلِيْنَ » با (الف و لام) آمده است. نگاه کنید سورهٔ انعام (۱۵۶/۲۰) یوسف (۳/۱) و غیره.

۴۹- اَجْرَالْمُؤْمِنِيْنَ تنهادرآل عمران (۱۷۱/۱۷) آمده و «اَجْرَالْمُصْلِحِيْنَ » در سورهٔ اعراف (۱۷۰/۲۱) و در تمام موارد دیگر «اَجْرَالْمُحْسِنِيْنَ »آمده ملاحظه شود. در سورهٔ توبه (۱۲۰/۱۵) هود (۱۱۵/۱۰) یوسف

(۵۶/۷) وغیره.

۵۰ـ بِالْعُرْفِ تنها در اعراف (۱۹۹/۲۴) آمده و در تمام جاهای دیگر بِالْمَعْرُوفِ می آید. نگاه کنید: سورهٔ بقره (۱۷۸/۲۲) آل عمران (۱۰۴/۱۱) ـ(۱۱۰/۱۲) توبه (۷۱/۹) و (۱۱۲/۱۴) و غیره.

۵۱ـ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ به ضم «ة» تنها در سورهٔ اعراف (۲۰۳/۲۴) آمده «وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» در سورهٔ جاثیه (۲۰/۲) آمده ودر موارد دیگر «رَحْمَةً» به فتح «ة» آمده ملاحظه فرماید: سورهٔ اعراف (۵۲/۶) یوسف (۱۱۱/۱۲) نحل (۶۴/۸) این علامت در صورتی است که همراه با (لِقَوْمٍ يُؤمِنُونَ) بیاید.

۵۲ـ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ تنها در سورهٔ توبه (۲۸/۴) است و در بقیه سیزده مورد دیگر «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» می آید.

۵۳ـ يَجْمَحُونَ تنها در سورهٔ توبه (۵۷/۷) آمده و در موارد دیگرـ يَجْمَعُونَ یا تَجْمَعُوا آمده است ملاحظه شود سورهٔ آل عمران (۱۵۷/۱۷) یونس (۵۸/۶) وزخرف (۳۲/۳) نساء (۲۳/۴).

۵۴ـ خَيْرٍ لَّكُمْ تنها در یک جا در سورهٔ توبه (۶۱/۸) آمده است وخَيْرًا لَّكُمْ در دو جای از سورهٔ نساء (۱۷۰/۲۳) آمده است و در همه موارد دیگر خَيْرٌ لَّكُمْ است نگاه کنید سورهٔ بقره (۵۴/۶) (۱۸۴/۲۳) و (۲۸۰/۳۸) نور (۲۷/۴) صف (۲۷/۴) و جمعه (۹/۲) و غیره.

تنبیه: کلمهٔ (خيرٌ لَهُمْ) در هیچ جای قرآن نیامده است.

۵۵ـ أَن تُنَزَّلَ به فتح (ز) تنها در سورهٔ توبه (۶۴/۸) آل عمران (۹۳/۱۰) آمده است و در تمام موارد دیگر به کسر «ز» آمده است وملاحظه شود سورهٔ نساء (۱۵۳/۲۲) وغیره و «أَن يُنَزِّلَ» تنها در سورهٔ بقره (۱۰۵/۱۳) روم (۴۹/۵) آمده و در تمام جاهای دیگر به کسر «ز» آمده است نگاه

کنید. سورهٔ بقره (۹۰/۱۱) مائده (۱۱۲/۱۵) انعام (۳۷/۴) و غیره.

۵۶- «مِن قَبۡلِكُمۡ كَانُوٓا أَشَدَّ مِنكُمۡ» تنها در سورهٔ توبه (۶۹/۹) آمده و در تمام جاهای دیگر «مِن قَبۡلِهِمۡ كَانُوٓا أَشَدَّ مِنۡهُمۡ» آمده نگاه کنید سورهٔ روم (۹/۱) و در فاطر (۴۴/۵) «وَكَانُوٓا» است و در مؤمن (۲۱/۳) كَانُوا هُمۡ أَشَدَّ ودر همان سورهٔ (۷۴/۹) كَانُوٓا أَكۡثَرَ آمده است.

۵۷- تَحۡتَهَا الۡأَنۡهَٰرُ - تنها در سورهٔ توبه (۱۰۰/۱۳) آمده و درتمام جاهای دیگر «مِن تَحۡتِهَا الۡأَنۡهَٰرُ» آمده است برای مثال نگاه کنید: سورهٔبقره (۲۵/۳) آل عمران (۱۵/۲) و (۱۹۸/۲۰) نساء (۱۳/۲) و (۵۷/۸) و (۱۲۲/۱۸) ولی در اعراف (۴۳/۵) یونس (۹/۱) کهف (۳۱/۴) مِن تَحۡتِهِمُ الۡأَنۡهَٰر آمـده است.

۵۸- إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ الۡمُجۡرِمُونَ - تنها در سورهٔ یونس (۱۷/۲) آمده و «إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ الۡكَٰفِرُونَ» در سورهٔ مؤمنون (۱۱۷/۶) و «إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ الۡكَٰفِرُونَ» در سورهٔ قـصص (۸۲/۸) و در تمام موارد دیگر یعنی سورهٔ انعام (۲۱/۳) و (۱۳۶/۱۶) یوسف (۲۳/۳) قصص (۳۷/۴) «لَا يُفۡلِحُ الظَّٰلِمُونَ» است.

۵۹- وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُونَ تنها در یونس (۴۲/۵) آمده ودر انعام (۲۵/۳) محمد (۱۶/۲) مَن يَسۡتَمِعُ می آید.

۶۰- أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي السَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي الۡأَرۡضِ - تنها در سورهٔ یونس (۶۶/۷) آمده و دریونس (۵۵/۶) نور (۶۴/۹) أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَٰوَٰتِ وَالۡأَرۡضِ آمده.

۶۱- وَاجۡعَلُوا به سکون «ج» تنها در سورهٔ یونس (۸۷/۹) است ودر تمام موارد دیگر «وَجَعَلُوا» به فتح «ج» می آید. بنگرید سورهٔ انعام (۱۰۰/۱۲). (۱۳۶/۱۶) زخرف (۱۵/۱) وغیره.

۶۲- إِذٗا مِّنَ الظَّٰلِمِينَ تنها در سورهٔ یونس (۱۰۶/۱۱) آمده و در تمام موارد دیگر «إِذٗا لَّمِنَ الظَّٰلِمِينَ» می آید. برای مثال بنگرید سورهٔ بقره (۱۴۵/۱۷)

مائده (۱۰۷/۱۴) هود (۳۱/۳) و غیره.

۶۳- وَمَاأَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ تنها در یونس (۱۰۸/۱۱) ودرانعام (۱۰۷/۱۳) وزمر (۴۱/۴) شوری (۶/۱) وَمَاأَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ می باشد.

۶۴- إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ. تنها در سورهٔ هود (۱۱/۲) آمده ودر تمام جاهای دیگر إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ آمده است. بنگرید ص (۲۴/۲) وانشقاق و التین و العصر و جاهای دیگر.

۶۵- أَخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا- در تمام قرآن یک جابا (تنوین) رفع «ذال» آمده یعنی درسورهٔ هود (۵۶/۵).

۶۶- إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ- تنها در سورهٔ یوسف (۶/۱) آمده و در تمام جاهای دیگر حَكِيمٌ عَلِيمٌ می آید چه قبل از آن «إِنَّ رَبَّكَ» باشد یا«إِنَّهُ» برای مثال بنگرید انعام (۸۴/۱۰) و (۱۲۹/۱۵) و (۱۴۰/۱۶) وحجر (۲۵/۲)

۶۷- بِأَخٍ لَّكُمْ با تنوین جر تنها یک جا در سورهٔ یوسف (۵۹/۸) آمده.

۶۸- أُكُلُهَابه ضم «لام» تنها یک جا در سورهٔ رعد (۳۵/۵) آمده و در تمام جاهای دیگر «أُكُلَهَا» به فتح «لام» آمده بنگرید: سورهٔ بقره (۲۶۵/۳۶) وابراهیم (۲۵/۴) کهف (۳۳/۵).

۶۹- الْقَبِطِينَ با«ط» فقط در سورهٔ حجر (۵۵/۴) آمده و در جاهای دیگر«قنِتُونَ»یا«قنتین» با «تا» آمده است، برای مثال بنگرید: سورهٔ بقره (۱۱۶/۱۴)، (۲۳۸/۳۱) و روم (۲۶/۳) و تحریم (۱۲/۲).

۷۰ - جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي فقط در نحل (۳۱/۴) آمده و کهف (۳۱/۴) وهمچنین در سورهٔ «بیّنه» جَنَّتُ عَدْنٍ تَجْرِي است. یعنی در و سط يَدْخُلُونَهانیامده است.

۷۱- إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ فقط در سورهٔ نحل (۷۴/۱۰) آمده است و

در جاهای دیگر وَاللّٰهُ يَعْلَمُ است . بنگرید : بقره (۲۱۶/۲۶) و (۲۳۲/۳۰) و نور (۱۹/۲) وغیره و در نحل (۱۹/۱۳) إِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ آمده آن هم فقط یک مورد.

۷۲ـ كَلٌّ به فتح کاف، فقط در سورۀ نحل (۷۶/۱۰) آمده و در تمام موارد دیگر به ضم کاف است بنگرید : بقره (۱۱۶/۱۴) و انبیاء و روم ویس (۴۰/۳) و جاهای دیگر.

۷۳ـ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ تنها در سورۀ نحل (۷۸/۱۱) آمده واز سورۀ مؤمنون (۷۵/۵) و الم سجده (۹/۱) و ملک (۲۳/۲) وَالأَفْئِدَةَ قَلِيلاً مَّا تَشْكُرُونَ است.

۷۴ـ فَلاَيُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلاَهُمْ فقط در سورۀ نحل (۸۵/۱۲) آمده وبقره (۸۶/۱۰) و (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلاَهُمْ است یعنی در وسط کلمه اَلْعَذَابُ اضافه است.

۷۵ـ مَاكُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ تنها در سورۀ نحل (۹۲/۱۳) آمده است و در تمام موارد دیگر «بِمَاكُنْتُمْ» یا «فِيمَاكُنْتُمْ» است بنگرید مائده (۴۸/۷) وانعام (۱۶۴/۲۰) و حج (۶۹/۹) و غیره.

۷۶ـ وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ فقط در سوره نحل (۱۱۴/۱۵) آمده است ودر تمام موارد دیگر «اُذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ» است بنگرید آل عمران (۱۰۳/۱۱) و مائده (۷/۲) و (۲۰/۴) ابراهیم (۶/۱) وغیره.

۷۷ـ مُعَذِّبِينَ به کسر ذال فقط در سورۀ اسراء (۱۵/۲) آمده و در جاهای دیگر به فتح ذال است مانند شعراء (۲۱۳/۱۱) و غیره.

۷۸ـ مِنْ نُخِيلٍ وَعِنَبٍ فقط در سوره اسراء (۹۱/۱۰) آمده است ودر تمام جاهای دیگر مِنْ نَّخِيلٍ وَّأَعْنَابٍ است بنگرید : بقره (۲۶۶/۳۶) ومؤمنون (۱۹/۱) و یس (۳۴/۳) وغیره.

۷۹- لَوْ اَنْتُمْ فقط در سوره بنی اسرائیل (۱۰۰/۱۱) آمده و در جاهای دیگر لَوْ کُنْتُمْ آمده است بنگرید آل عمران (۱۵۴/۱۶) و نوح (۴/۱) وغیره.

۸۰ - اَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ فقط در سورهٔ کهف (۱۰۲/۱۲) آمده و در جاهای دیگر اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ یا اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ است. بدون کلمه «جهنم» بنگرید: نساء (۱۵۱/۲۱) و (۱۶۱/۲۲) وفرقان (۳۷/۴) و فتح (۱۳/۲) وغیره.

فائده: زُبَر به فتح باء فقط در سورهٔ کهف (۹۶/۱۱) آمده و در جاهای دیگر زُبُر به ضم باء آمده، مانند شعرَاء (۱۹۶/۱۱) وقمر (۵۳/۳) و مؤمنون (۵۳/۴) و غیره.

۸۱- وَمَا اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ، انبیاء (۷/۱) وفرقان (۲۰/۲) آمده ودر سباء (۴۴/۵) وَمَا اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمْ قَبْلَكَ است ودر بقیه موارد مانند یوسف (۱۰۹/۱۲) و نحل (۴۳/۶) وانبیاء (۲۵/۲) حج (۵۲/۷) وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ آمده است.

۸۲- يَفْتَرُوْنَ به ضم تاء فقط در سورهٔ انبیاء (۲۰/۲) آمده و در بقیه موارد به فتح تا آمده بنگرید یونس (۳۰/۳) و (۶۹/۷) و هود (۲۱/۲) ونحل (۱۱۶/۱۵) وغیره.

۸۳- اَلصُّمُّ الدُّعَآءَ به ضم «م» فقط در سورهٔ انبیاء (۴۵/۴) آمده است ودر سورهٔ های نمل (۸۰/۶) و روم (۵۲/۵) به فتح میم آمده است.

۸۴- يُنْذَرُوْنَ با ذال فقط در سورهٔ انبیاء (۴۵//۴) آمده و در بقیه موارد دیگر باظاء است نگاه کنید (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) و نحل (۸۵/۱۲) و انبیاء (۴۰/۳) و غیره.

۸۵- لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ فقط در سورهٔ انبیاء (۵۸/۵) آمده و در تمام موارد

دیگر لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ است نگاه کنید، سورهٔ یوسف (۶۲/۸) و الم سجده (۲۱/۲) و غیره.

۸۶ـ قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِينَ فقط در سورهٔ انبیاء (۷۴/۵) آورده و در بقیه موارد قَوْمًا فٰسِقِينَ است نگاه کنید. سورهٔ توبه (۵۳/۷) نمل (۱۲/۱) قصص (۳۲/۴) ذاریت (۴۶/۲) وغیره.

۸۷ـ اٰتَيْنَا حُكْمًا وَّعِلْمًا فقط در سورهٔ انبیاء (۷۹/۶) آمده ودر تمام موارد دیگر «اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا»است نگاه کنید .سورهٔ یوسف (۲۲/۳) انبیاء (۷۴/۵) قصص (۱۴/۲) وغیره.

۸۸ـ صِرَاطِ الْحَمِيْدِ فقط در سورهٔ حج (۲۴/۳) آمده و در موارد دیگر صِرَاطِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِاست نگاه کنید: سورهٔابراهیم (۱/۱) و سبا (۶/۱) وغیره.

۸۹ـ فَكَاَيِّنْ با«ف» فقط در سورهٔ حج (۴۵/۶) آمده و در شش مورد دیگروَكَاَيِّنْ بدون «ف» آمده که عبارتند از سورهٔ آل عمران (۱۴۶/۱۵) یوسف (۱۰۵/۱۲) حج (۴۹/۶) عنکبوت (۶۰/۶) محمد (۱۳/۲) طلاق (۸/۲).

۹۰ـ وَعَدَهَااللّٰهُ الَّذِيْنَ فقط در سورهٔ حج (۷۲/۹) آمده ودر جاهای دیگر وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ آمده نگاه کنید: سورهٔ مائده (۹/۲) نور (۵۵/۷) فتح (۲۹/۴).

۹۱ـ مَاقَدَرُوااللّٰهَ بدون حرف (و) فقط در سورهٔ حج (۷۴/۱۰) آمده و د رانعام (۹۱/۱۱) وزمر (۶۷/۷) «وَمَا قَدَرُوااللّٰهَ »با «واو»است.

۹۲ـ وَلَهُ اخْتِلَافُ الَّيْلِ به ضم «ف» تنها در سورهٔ مؤمنون (۸۰/۵) آمده ودر تمام موارد دیگر به کسر «ف» آمده نگاه کنید سورهٔ بقره (۱۶۴/۲۰) وآل عمران (۱۹۰/۲۰) یونس (۶/۱) و جاثیه (۵/۱) وغیره.

۹۳- يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَآءُ فقط در سورهٔ نور (۴۵/۶) آمده و در تمام موارد دیگر يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ است .نگاه کنید : سورهٔ آل عمران (۴۷/۵) قصص (۶۸/۷) روم (۵۴/۶) زمر (۴/۱) و غیره.

۹۴- آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فقط در سورهٔ نور (۵۵/۷) آمده ودر جاهای دیگر بدون کلمه مِنكُمْ آمده است .

۹۵- وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ همراه با لام فقط در سورهٔ نور (۵۷/۷) آمده وفَبِئْسَ الْمَصِيرُ با«ف» فقط در سورهٔ مجادله (۸/۲) آمده و در موارد دیگروَ بِئْسَ الْمَصِيرُ است با«واو» نگاه کنید : سورهٔ بقره (۱۲۶/۱۵) آل عمران (۱۶۲/۱۷) انفال (۱۶/۲) حدید (۱۵/۲) و ملک (۶/۱) تغابن (۱۰/۲) و غیره .

۹۶- وَعَمِلَ عَمَلاً صَالِحاً فقط در اولین مورد فرقان (۷۰/۶) ودر موارد دیگر عَمِلَ صَالِحاً بدون کلمهٔ «عَمَلاً» آمده نگاه کنید : سورهٔ نحل (۹۷/۱۳) مریم (۶۰/۴) فصّلت (۴۶/۶) جاثیه (۱۵/۲) فرقان (۷۱/۶) .

۹۷- تَابَ وَعَمِلَ فقط در دومین مورد سورهٔ فرقان (۷۱/۶) آمده ودر موارد دیگر «تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ» می آید بنگرید سورهٔ مریم (۶۰/۴) طه (۸۲/۴) فرقان (۷۰/۶) .

۹۸- إِذْ قَالَ مُوسَىٰ بدون «واو» فقط در سورهٔ نمل (۷/۱) آمده و در تمام موارد دیگر «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ » آمده نگاه کنید : سورهٔ بقره (۵۴/۶) مائده (۲۰/۴) ابراهیم (۶/۱) کهف (۶۰/۹) و غیره.

۹۹- وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فتح لام فقط در سورهٔ نمل (۱۵/۲) آمده است ودر سه مورد دیگریعنی سورهٔ اعراف (۴۳/۵) فاطر (۳۴/۴) زمر (۷۴/۸) و قَالُوا الْحَمْدُ به ضم لام آمده است .

۱۰۰- عَرْشٌ به تنوین رفع در سورهٔ نمل (۲۳/۲) آمده .

۱۰۱ـ اَمَّا یُشْرِكُوْنَ با همزه فقط در سورهٔ نمل (۵۹/۵) آمده و در جاهای دیگر عَمَّا یُشْرِكُوْنَ با عین می آید نگاه کنید: سورهٔ یونس (۱۸/۲) نحل (۱/۱) دو مرتبه روم (۴۰/۴).

۱۰۲ـ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِيْنَ در سورهٔ اعراف (۸۴/۱۰) نمل (۶۹/۶) وَعَاقِبَةُ الظّٰلِمِيْنَ سورهٔ یونس (۳۹/۴) قصص (۴۰/۴) وَعَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ در سورهٔ اعراف (۸۴/۱۱) (۱۰۳/۱۳) نمل (۱۴/۱) وَعَاقِبَةُ الْمُنْذَرِيْنَ در سورهٔ یونس (۷۳/۸) صٰفّٰت (۷۳/۲) وَعَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ در سورهٔ آل عمران (۱۳۷/۱۴) انعام (۱۱/۲) زخرف (۲۵/۲) و نحل (۳۶/۵) آمده است.

۱۰۳ـ «وَاَوْحَيْنَاۤ اِلٰى اُمِّ مُوْسٰى» فقط در سورهٔ قصص (۷/۱) آمده و در تمام موارد دیگر اَوْحَيْنَاۤ اِلٰى مُوْسٰى می آید. نگاه کنید: سورهٔ اعراف (۱۱۷/۱۴) ـ (۱۶۰/۲۰) طه (۷۷/۴) و غیره.

۱۰۴ـ وَزِيْنَتُهَا به ضم تا فقط در سورهٔ قصص (۶۰/۶) آمده ودر موارد دیگر به فتح «تا» آمده است نگاه کنید: سورهٔ هود (۱۵/۲) احزاب (۲۸/۴) وغیره.

۱۰۵ـ اَلَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوْا فقط در سورهٔ قصص (۷۳/۷) ودر جاهای دیگر اَلَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا «یا» لِيَسْكُنُوْا آمده است نگاه کنید: سورهٔ یونس (۶۷/۷) مؤمن (۶۱/۷) نمل (۸۶/۷).

۱۰۶ـ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاۤءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ در سورهٔ قصص (۸۲/۸) و «مِنْ عِبَادِهٖ يَقْدِرُ لَهٗ» در سورهٔ عنکبوت (۶۲/۶) و سبا (۳۹/۵) آمده است ودر بقیه شش جای دیگر «لِمَنْ يَشَاۤءُ يَقْدِرُ» است بدون «مِنْ عِبَادِهٖ» وبدون «لَهٗ» که عبارتند از: رعد (۲۶/۳) و اسراء (۳۰/۳) روم (۳۷/۴) وسبا (۳۶/۴) زمر (۵۲/۵) و شوری (۱۲/۲).

۱۰۷ـ يَصُدُّنَّكَ به ضم دال فقط در سورهٔ قصص (۸۷/۹) آمده است و

در بقیه موارد به فتح «د» می آید بنگرید سورهٔ طـه (۱۷/۱) و زخـرف (۲۶/۶) ولی در زخرف «لاَ یَصُدَنَّکُمْ» به صیغه جمع آمده است.

۱۰۸ـوَمَاکَانَ اللّٰهُ لِیَظْلِمَهُمْ با و او فقط در سورهٔ عنکبوت (۴۰/۴) آمده و در توبه (۷۰/۹) و روم (۹/۱) فَمَاکَانَ اللّٰهُ است و در سورهٔ بقره (۵۷/۶) و اعراف (۱۶۰/۲۰) و آل عمران (۱۱۷/۱۲) و هود (۱۰۱/۹) و نحل (۳۳/۴) و (۱۱۸/۱۵) و زخرف (۷۶/۷) نیز آیاتی می آید که با این موارد شباهت دارند. تفاوتشان را بخاطر بسپارید.

۱۰۹ـ لَوْلاَ أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیَاتٌ به صیغه جمع فقط در سورهٔ عنکبوت (۵۰/۵) آمده است و در موارد دیگر «آیَةٌ» و با صیغه مفرد می آید بنگرید. انعام (۳۷/۴) و رعد (۷/۱و۲۷/۴) و غیره و همانند لَوْلاَ أُنْزِلَ وَلَوْلاَنُزِّلَ در ده مورد زیر می آید: سورهٔ انعام (۸/۱و۳۷/۴) سورهٔ یونس (۲۰/۲) سورهٔ هود (۱۲/۲) سورهٔ رعد (۷/۱و۲۷/۴) سورهٔ فرقان (۷/۱و۲۱/۳) سورهٔ عنکبوت (۵۰/۵) سوره زخرف (۳۱/۳) فرق میان این موارد را بخوبی بخاطر بسپارید. در سورهٔ محمد (۲۰/۳) لَوْ لاَنُزِّلَتْ آمده است.

۱۱۰ـ بعد از وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ فقط در سورهٔ عنکبوت (۶۱/۶) جملهٔ (وَسَخَّرَ الشمسَ وَالقَمَر) آمده است.

۱۱۱ـ عَاقِبَةَ الَّذِینَ ـبه فتح «ت» فقط در سورهٔ روم (۱۰/۱) آمده و در بقیه موارد به ضم «ت» می باشد بنگرید سورهٔ روم (۹/۱) و فاطر (۴۴/۵) ومؤمن (۲۱/۳و۸۲/۹) و غیره.

۱۱۲ـبعد ازکلمهٔ «اَلرِّیَاحَ» فقط در سورهٔ روم (۴۶/۵) لفظ «مُبَشِّرَاتٍ» می آید و در موارد دیگر کلمه «بُشراً»می باشد، ملاحظه شود در سورهٔ اعراف (۵۷/۷) و فرقان (۴۸/۵) و نمل (۶۳/۵).

۱۱۳ـو اذا تُتْلَی عَلَیهم آیٰتُنَاـبا (واو) و ضمیر جمع «علیهم» در هفت مورد

زیر آمده‌است : انفال (۳۱/۴) یونس (۱۵/۲) مریم (۷۳/۵) سبا (۴۳/۵) جاثیه (۲۵/۳) احقاف (۷/۱) و در مورد اول از این هفت مورد کلمه «بَیِّنَاتٍ» وجود ندارد و در بقیه موجود است و در سورهٔ لقمان (۷/۱) «عَلَیْهِ» به صیغه مفرد آمده و در سورهٔ مریم (۵۸/۴) «اِذَا تُتْلی علیهم» بدون و او و در سورهٔ تطفیف و قلم «اِذَا تُتْلی عَلَیْهِ» به صیغه مفرد وبدون و او آمده است همچنین درباره (وَاِذَا تُتْلی عَلَیْهِمْ و عَلَیْهِ) یاد کردن این امر کافی است که هر گاه قبل از کلمهٔ «تُتْلی» «اِذا» بیاید در این صورت بعد از آن «عَلَیْهِ» می‌آید سوای مریم (۵۸/۴) و اگر «وَاِذَا» باشد بعد از آن «عَلَیْهِمْ» می آید به استثنای لقمان (۷/۱) که علیه است .

۱۱۴ـ یَجْرِیَ اِلَی اَجَلٍ مُّسَمًّی فقط در سورهٔ لقمان (۲۹/۳) آمده است ودر بقیه موارد (یعنی رعد (۲/۱) و فاطر (۱۳/۲) و زمر (۵/۱) یَجْرِی لِاَجَلٍ مُّسَمًّی است .

۱۱۵ـ مَتَی هَذَا الْفَتْحُ ـ فقط در سورهٔ الم سجد (۲۸/۳) آمده و در شش مورد دیگر «مَتَی هَذَا الْوَعْدُ» آمده است، سوای کلمه «اَلْفَتْحُ» و «اَلْوَعْدُ» هر شش آیه در شش کلمه دیگرباهم موافق و یکسانند و این موارد عبارتند از یونس (۴۸/۵) و انبیاء (۳۸/۳) نمل (۷۱/۶) سبا (۲۹/۳) ویس (۴۸/۳) و ملک (۲۵/۲) .

۱۱۶ـ وَجَعَلْنَامِنْهُمْ اَئِمَّةً فقط در سورهٔ الم سجده (۲۴/۳) آمده ودر انبیاء (۷۳/۵) و قصص (۴۱/۴) و جَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً است .

۱۱۷ـ اَفَلَمْ یَرَوْا ـ فقط در سورهٔ سبا (۹/۱) آمده و (اَلَمْ یَرَوْا) در پنج محل انعام (۶/۱) واعراف (۱۴۸/۱۸) نحل (۷۹/۱۱) نمل (۸۶/۷) یس (۳۱/۲) اَوَلَمْ یَرَوْا در دوازده مورد آمده است بنگرید : نحل (۴۸/۶) وعنکبوت (۱۹/۲) و (۶۷/۷) وملک (۱۹/۲) و غیره .

۱۱۸ـ أفَلاَ يَعْقِلُونَ ـتنها در سورهٔ یس (۶۸/۵) آمده است و در ۱۳ مورد دیگر افلا تَعْقِلُونَ می آید ملاحظه شود: انعام (۳۲/۴) واعراف (۱۶۹/۲۱) و یوسف (۱۰۹/۱۲).

۱۱۹ـ (وذَلَّلْنهَا) باذال فقط در سورهٔ یس (۷۲/۵) آمده است و در مورد دیگر «ظَلَلْنَا» است بنگرید: بقره (۵۷/۶) و اعراف (۱۶۰/۲۰).

۱۲۰ـ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ در سورهٔ یونس (۱۹/۲) فِيمَا هُمْ فِيهِ در سورهٔ زمر (۳/۱) و در بقیه سه مورد دیگر فِيمَا كَانُوا فِيهِ است بنگرید: یونس (۹۳/۱۰) و الم سجده (۲۵/۳) زمر (۴۶/۵) جاثیه (۱۷/۲) و غیره این قاعده مخصوص کلمه «يَخْتَلِفُونَ» است و قبل از تَخْتَلِفُونَ همیشه «كُنْتُمْ» می آید بنگرید: آل عمران (۵۵/۶) مائده (۴۸/۷) انعام (۱۶۵/۲۰) نحل (۹۲/۱۳) و حج (۶۹/۹).

تذکر: لازم به یادآوری است که موارد ذکر شده مربوط به آخر آیه می باشند ولی جاهایی که کلمه «تَخْتَلِفُونَ» در وسط آیه می آید چون محل اشتباه نیست از ذکر آنها خود داری کردیم.

۱۲۱ـ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي فقط در سورهٔ زمر (۱۴/۲) آمده است «مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ» در زمر (۱/۷) و (۱۱/۲) آمده و در موارد دیگر «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» است بنگرید: اعراف (۲۹/۳) و مؤمن (۱۴/۲) و (۶۵/۷) و بینه آیه ۵ وغیره.

۱۲۲ـ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فقط در سورهٔ زمر (۴۱/۴) آمده و در موارد دیگر عَلَيْكَ الْكِتَابَ و اليكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ می باشد بدون کلمهٔ «لِلنَّاسِ» بنگرید: آل عمران (۳/۱) و نساء (۱۰۵/۱۶) و زمر (۲/۱) و غیره.

۱۲۳ـ رُسُلٌ مِنكُمْ يَتْلُونَ. فقط در سورهٔ زمر (۷۱/۸) می آید و در موارد دیگر رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ است ملاحظه شود انعام (۱۳۰/۱۶) واعراف (۳۵/۴).

۱۲۴ـ عَاقِبَةُ الَّذِینَ (کانوا) مِن قَبلِهِمْ کَانُوا (هُمْ) اَشَدَّ فقط در سورهٔ مومن (۲۱/۳) می باشدودر بقیه موارد دوکلمه «کَانُوا وهُمْ»که داخل پرانتز هستند و جود ندارند بنگرید: سورهٔ روم (۹/۱) فاطر (۴۴/۵) و غیره و لی در سورهٔ فاطر «وکَانُوا»آمده.

۱۲۵ـ جَآءَهُمْ بِالحَقِّ فقط در سورهٔ مؤمن (۲۱/۳) آمده و در موارد دیگر جَآءَهُمُ الحَقُّ است بنگرید: یونس (۷۶/۸) قصص (۴۸/۵) زخرف (۳۰/۳) و غیره.

۱۲۶ـ وَصُدُّواسورهٔ رعد (۳۳/۵) وَصُدَّ سورهٔ مؤمن (۳۷/۴) در این مورد به ضم «ص» آمده و در بقیه موارد به فتح «ص» است مانند وَصَدُّوا-وفَصَدُّوا-وَصَدَّبنگرید :نساء (۱۶۷/۲۳) نمل (۴۳/۳) و (۲۴/۲) عنکبوت (۳۸/۴) محمد (۱/۱) و (۳۴/۴) وغیره.

۱۲۷ـ الَّذِینِ فقط در سورهٔ فصلت (۲۹/۴) آمده و در موارد دیگر الَّذِینَ است.

۱۲۸ـ غَفُورٍ رَحِیمٍ فقط در سورهٔ فصلت (۳۲/۴) آمده است و در تمام موارد دیگرغَفُورٌ رَّحِیمٌ است.

۱۲۹ـ وَیَوْمَ یُنَادِیهِمْ اَینَ شُرَکَاءِیَ فقط در سورهٔ فصلت (۴۸/۶) آمده ودر جاهای دیگر که عبارتند از سورهٔ قصص (۷۴/۷) و۶۵و۶۲) بعداز «وَیَوْمَ یُنَادِیهِمْ» (فَیَقُولُ) نیز هست.

۱۳۰ـ وَلَوْ لَاکَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّکَ اِلَی اَجَلٍ مُّسَمًّی لَقُضِیَ بَینَهُمْ فقط در سورهٔ شوری (۱۴/۲) آمده است و در موارد دیگر اِلَی اَجَلٍ مُّسَمًّی و جود ندارد و آن موارد عبارتند از سورهٔ یونس (۱۹/۲) هود (۱۱۰/۱۰) وفصلت (۴۵/۶).

۱۳۱ـ وَیَعْفُ عَن کَثِیرٍ فقط در سورهٔ شوری (۳۴/۴) آمده ودر موارد

دیگر «وَيَعْفُوا» باصیغهٔ جمع می‌آید بنگرید: مائده (۱۵/۳) شوری (۳۰/۴).

۱۳۲- در سورهٔ شوری (۴۴/۵) بعداز وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ «فَمَا لَهُ مِن وَلِيٍّ» آمده و در مورد دوم (آیه ۴۶) فَمَالَهُ مِن سَبِيلٍ آمده و در چهار محل دیگر بعداز آن، «فَمَالَهُ مِنْ هَادٍ» آمده است که عبارتند از سورهٔ رعد (۳۳/۵) زمر (۲۳/۳) و (۳۶/۴) مؤمن (۳۳/۴).

۱۳۳- إِلَى رَبِّنَالَمُنْقَلِبُونَ فقط در سورهٔ زخرف (۱۴/۱) آمده است و در موارد دیگر (إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُون) بدون لام مفتوح آمده است بنگرید: اعراف (۲۵/۱۴) و شعراء (۵۰/۳).

۱۳۴- سُخْرِيًّا به ضم «س» فقط در سورهٔ زخرف (۳۲/۳) آمده است ودر سورهٔ مؤمنون (۱۱۰/۶) و ص (۶۳/۴) سِخْرِيًّا می آید.

۱۳۵- يَصِدُّونَ به کسر «ص» فقط در سورهٔ زخرف (۵۷/۶) آمده و در جاهای دیگر به ضم «ص» می‌آید بنگرید: آل‌عمران (۹۹/۱۰) اعراف (۴۶/۵) و (۸۶/۱۱) وهود (۱۹/۲).

۱۳۶- وَهُوَالْحَكِيمُ الْعَلِيمُ سورهٔ زخرف (۸۴/۷) إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيم در سورهٔ ذاریت (۳۰/۲) آمده و در موارد دیگر «الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» آمده است واین همه بعد از «إِنَّهُ» وبعد از «وَهُوَ» می آید بنگرید: سورهٔ یوسف (۸۳/۱۰) و (۱۰۰/۱۱) وتحریم (۲/۱).

۱۳۷- كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ در سوره نحل (۱۱۱/۱۵) وزمر (۷۰/۷) و كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ در سوره جاثیه (۷۲/۳) آمده است و دربقیه تمام موارد كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ است اما بشرطیکه بعداز «مَاكَسَبَتْ» وَهُمْ لَايُظْلَمُونَ بیاید.

۱۳۸- و غَرَّتْكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا یک جا در سوره جاثیه (۳۵/۴) آمده است و در تمام موارد دیگر و غَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا آمده است بنگرید: انعام (۷۰/۸) و اعراف (۱۵/۶).

۱۳۹ـ مِن ذَكَرٍ وَأُنثَى فقط در حجرات (۱۳/۲) آمده است و در بقیه موارد مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى می باشد بنگرید: آل عمران (۱۹۵/۲۰) ونساء (۱۲۴/۱۸) نحل (۹۷/۱۳) و مؤمن (۴۰/۵).

۱۴۰ـ مَرْكُومٌ با «ک» فقط در سوره طور (۴۴/۲) آمده است و در سورهٔ تطفیف هر دو مورد با «ق» می باشند.

۱۴۱ـ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فقط در سوره طور (۴۸/۲) آمده ودر سورهٔ دهر (۲۴/۲) وقلم (۴۸/۲) با فا آمده یعنی «فاصبر».

۱۴۲ـ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى فقط در سوره نجم (۳۰/۲) آمده است و در بقیه تمام موارد دیگر «بِالْمُهْتَدِينَ» است و دریکجا «بِالْمُعْتَدِينَ» آمده است.

۱۴۳ـ ذَالِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ فقط در سورهٔ مجادله (۱۲/۲) آمده است و در موارد دیگر ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ می آید بنگرید بقره (۵۴/۶) و صف (۱۱/۲) وجمعه (۹/۲) وغیره.

۱۴۴ـ خَلِدَيْنِ به فتح «د» وکسر «ن» فقط در سوره حشر (۱۷/۲).

۱۴۵ـ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَآءُ به ضم فقط در سوره ممتحنه (۴/۱) آمده است و در سورهٔ مائده (۱۴/۳) و (۶۴/۹) و (۹۱/۱۲) به فتح تا و همزه می آید.

۱۴۶ـ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَسِقِينَ فقط در سوره منافقون (۶/۱) آمده است و در موارد دیگر «وَاللَّه» می آید بنگرید:

مائده (۱۰۸/۱۴) و توبه (۲۴/۳). (۸۰/۱۰) و صف (۵/۱).

۱۴۷ـ «نسراً» با «س» فقط در سورهٔ نوح (۲۳/۲) آمده و در موارد دیگر «نصر» با «ص» می آید ملاحظه شود سورهٔ اعراف (۱۲۹/۲۴) وغیره.

۱۴۸ـ بَسَرَ با «س» فقط در یک جا در سورهٔ مدثر (۲۲/۱) آمده است

ودر تمام موارد دیگر با «ص» می آید مانند: فَبَصَرُكَ سورهٔ (ق) (۲۲/۲) و«الیک البصر»سورهٔ ملک (۴/۱) وغیره.

۱۴۹ـ كَالُوْبا «ک» فقط در سورهٔ تطفیف آمده و در جاهای دیگر «ق» است.

۱۵۰ـ فَلَهُمْ اَجْرٌغَيْرُ مَمْنُوْنٍ با(ف) فقط در یک جا در سورهٔ تین می آید ودر موارد دیگر«لَهُمْ اَجْرٌ غير مَمْنُوْن» (بدون ف) می آید ملاحظه شود سورهٔ فصلت (۸/۱) و انشقاق آیه ۲۵.

یادآوری :

۱ـ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْلَمُوْنَ خَبِيْراً (۲) إِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ (۳) وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لاَ يُؤمِنُوْنَ در هیچ جای قرآن نیامده است.

متفرقات

۱ـ بعداز دو کلمه ی «فَلاَ يُخَفَّفُ»و (لاَيُخَفَّفُ) فقط یکجا در سورهٔ بقره (۸۶/۱۰) «وَلاَهُمْ يُنصَرُوْن»می آید (باصاد) و د رجاهای دیگر «وَلاَهُمْ يُنظَرُوْنَ» (باظأ) می آید ملاحظه شود: بقره (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) و نحل (۸۵/۱۲).

فائده :بخاطر بسپارید که در سورهٔ بقره (۸۶/۱۰) و نحل (۸۵/۱۲) فَلاَ يُخَفَّفُ در بقره (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) لاَ يُخَفَّفُ بدون «ف» آمده است.

۲ـ آخَرِيْنَ (به فتح خا) و آخِرِيْنَ (به کسر خا) این دو مورد را اینگونه باید از یکدیگر تمیز داد که هرگاه قبل از آن، لام ساکن نباشد پس همه جا به فتح خا می آید و اگر قبل از آن لام ساکن باشد در سه مورد یعنی «اَزْلَفْنَا ثَمَّ

الْاٰخَرِيْنَ ـ وَاَغْرَقْنَا الْاٰخَرِيْنَ ـ وَدَمَّرْنَا الْاٰخَرِيْنَ به فتح خا ودر موارد دیگر بکسر «خا» می باشد. مثال مواردی که بدون لام و مفتوح اند: سورهٔ نساء (۹۱/۱۲) و (۱۳۳/۱۹) مائده (۴۱/۶) انعام (۶/۱) و (۱۳۴/۱۶) انفال (۶۰/۸) انبیاء (۱۱/۲) مؤمنون (۳۱/۲) و (۴۲/۳) و جمعه (۳/۱) و مثال مواردی که با لام و مفتوح اند شعراء (۶۶/۴) و ۴۶ و (۱۷۲/۹) وصُفّٰت (۸۲/۳) و (۱۳۶/۴) وغیره و مثال مواردی که با لام و مکسورند: شعراء (۸۴/۵) و صفّت (۱۰۸/۳) و (۱۱۹/۴) وزخرف (۵۶/۴) واقعه (۱۴/۱) و (۴۰/۲) و مرسلات (۱۷/۱) وغیره.

۳ـ وَلاَ يُقْبَلُ مِنهَا شَفَاعَةٌ سورهٔ بقره (۶۸/۶) ـ وَلاَيُقبَلُ مِنهَا عَدلٌ (بقره (۱۲۳/۱۵) در حروف تهجی اول حرف «ش» می آید و سپس «عین» در اینجا نیز بعد از لاَيُقبَلُ مِنهَا به همان ترتیب در آیه ۶۸ کلمه ای آمده که حرف اولش شین است (یعنی شفاعة) ودرمورددوم (آیه ۱۲۳) کلمه‌ای‌آمده که‌حرف‌اولش عین‌است (یعنی عدل).

۴ـ بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَالْعٰكِفِينَ ـ سورهٔ بقره (۱۲۵/۱۵) ـ بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَالْقَآئِمِينَ (حج ۲۶/۲) در ترتیب حروف تهجی عین، اول می آید و قاف بعد از آن در این جا نیز کلمه‌ای که با حرف عین آغاز می گردد در سورهٔ نخست و کلمه ای که با حرف قاف شروع می شود در سورهٔ بعدی قرار دارد.

۵ـ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُوْن با «ی» «یعنی صیغه غائب» فقط در سورهٔ بقره (۱۴۴/۱۷) و انعام (۱۳۲/۱۶) آمده است و در جاهای دیگر با «ت» (یعنی صیغه حاضر) می‌آید ملاحظه شود: بقره (۷۴/۹) و (۸۵/۱۰) و (۱۴۰/۱۶). (۱۴۹/۱۸) هود (۱۲۳/۱۰) و نمل (۹۳/۷) و آل عمران (۹۹/۱۰).

۶ـ مُحْصِنِيْنَ با «ص» فقط سوره نساء (۲۴/۴) و مائده (۵/۱) آمده و در

موارد دیگر با «س» می آید بنگرید: توبه (۱۲۰/۱۵) هود (۱۱۵/۱۰) و یوسف (۵۶/۷) و غیره.

۷- وَلَابِالْيَوْمِ الْاٰخِرِفقط در سورۀ نساء (۳۸/۶) وتوبه (۲۹/۴) آمده ودر بقره (۸/۲) وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرمی باشد ودر موارد دیگر وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ می آید بنگرید: بقره (۱۲۶/۱۵) و (۱۷۷/۲۲) و (۱۳۰/۳۰) و (۱۶۴/۳۶) وغیره.

۸- لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ـفقط در سورۀ مائده (۱۲۰/۱۶) وشوری (۴۹/۵) آمده است و در تمام موارد دیگر«وَلِلّٰهِ»است بنگرید: مائده (۱۸/۳) و فتح (۱۴/۲) و غیره.

۹- كَذَبُوابدون تشدید در چهار مورد آمده که عبارتند از انعام (۲۴/۳) وتوبه ۹۰/۱۲) وزمر (۶۰/۶) وبقیه مواردكَذَّبُوااست با تشدید.

۱۰- قُلْ اَرَءَيْتَكُمْ ـ فقط در سورۀ انعام (۴۰/۴) و (۴۷/۵) آمده و در زمر (۳۸/۴) قُلْ اَفَرَءَيْتُمْ آمده است و در موارد دیگر قُلْ اَرَءَيْتُمْ است بنگرید: انعام (۴۶/۵) یونس (۵۰/۵) و (۵۹/۶) وملک (۲۸/۲) وغیره.

۱۱- يَوْمِئِذٍ به کسر میم فقط در سورۀ هود (۶۶/۶) ومعارج (۱۱/۱) آمده است و در موارد دیگر به فتح میم می آید نگاه کنید سوره رحمان (۳۹/۲) و مرسلٰت، تطفیف و تکاثر و غیره.

۱۲- بعد از فَاَصْبَحُوادوجا کلمه دِيَارِهِمْ می آید که عبارتند از:سورۀ هود (۶۷/۶) و (۹۴/۸) ودر تمام موارد دیگر«دَارِهِمْ»می آید نگاه کنید: اعراف (۷۸/۱۰) و (۹۱/۱۱) وعنکبوت (۳۸/۴) وغیره.

۱۳- هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ فقط در سورۀ هود (۲۲/۲) و نمل (۵/۱) آمده و در بقیه موارد هُمُ الْخٰسِرُوْنَ است بنگرید: بقره (۲۷/۳) و (۱۲۱/۱۴) اعراف (۱۷۸/۲۲) انفال (۳۷/۴) نحل (۱۰۹/۱۴) وغیره.

۱۴ـ مُشرِقِينَ با قاف فقط در سورهٔ حجر (۷۳/۵) وشعراء (۶۰/۴) آمده و در هر جای دیگر با کاف می آید نگاه کنید :سورهٔ توبه (۱/۱) (۷/۲) و غیره.

۱۵ـ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنيَا بفتح عین فقط در سورهٔ یونس (۲۳/۳) وقصص (۶۱/۷) آمده است و در تمام موارد دیگر مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنيَا می آید نگاه کنید : سورهٔ توبه (۳۸/۶) وزخرف (۳۵/۳) وغیره.

۱۶ـ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً فقط در سورهٔ مریم (۸۱/۵) ویس (۷۴/۵) آمده است و درموارد دیگر مِنْ دُوْنِهٖ اٰلِهَةً می باشد نگاه کنید سورهٔ انبیاء (۲۴/۲) وفرقان (۳/۱) ویس (۲۳/۲) وغیره.

۱۷ـ «عَالِيْنَ» فقط در سورهٔ مؤمنون (۴۶/۳) و «ص» (۷۵/۵) می‌آید و عَالِمِيْنَ به کسر لام در چهار محل آمده‌است :

یوسف (۴۴/۶) انبیاء (۵۱/۵) و (۸۱/۶) و روم (۲۲/۳). بیشتر در موارد اخیر اشتباه می شود. و در جاهای دیگر عَالَمِيْنَ به فتح لام می آید. نگاه کنید : سورهٔ انبیاء (۷۱/۵). (۹۱/۶) و عنکبوت (۱۵/۲) وسورهٔ «ص» (۸۷/۵) وغیره.

۱۸ـ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَآء در دو مورد آمده است : سوره هود (۲۰/۲) و (۱۱۳/۱۰) و «مِنْ دُوْنِهٖ اَوْلِيَآء» در پنج مورد می آید رعد (۱۶/۲) زمر (۳/۱) شوری (۶/۱و۹) احقاف (۳۲/۴) و «مِنْ دُوْنِىْ اَوْلِيَآء» فقط در سورهٔ کهف (۱۰۲/۱۲) می آید و در شوری (۴۶/۵) وَمَاكَانَ لَهُمْ مِنْ اَوْلِيَآء آمده است و در سوره عنکبوت (۴۱/۴) و جاثیه (۱۱/۱) مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِيَآء آمده است.

۱۹ـ اَلَمْ تَرَوا فقط در سورهٔ لقمان (۲۰/۳) ونوح (۱۵/۱) آمده است ودر سی و یک مورد دیگر «اَلَمْ تَرَ» بدون و او آمده است، بنگرید : بقره (۲۴۳/۳۲ و ۲۵۸/۳۵) و غیره

۲۰ـ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ بفتح «م »و«ر»فقط در سوره احزاب (۲۱/۳) وممتحنه (۶/۱) آمده است و در موارد دیگر به کسر «م» و «ر» است.

۲۱ـ بَعْضَ الَّذِی به ضم «ض» فقط در سوره نمل (۷۲/۶) ومؤمن (۲۸/۴) آمده و در تمام موارد دیگربه فتح «ض» می آید نگاه کنید: سورهٔ روم (۴۱/۵) وزخرف (۶۳/۶) و غیره.

۲۲ـ «نَعْمَةٍ»بفتح نون :فقط در سوره دخان (۲۸/۱) ومزمل (۱۱/۱) آمده و در جاهای دیگر به کسر نون آمده نگاه کنید :بقره (۴۰/۵) و (۴۷/۶) و (۱۲۲/۱۵) وغیره.

۲۳ـ کُلَّ نَفْسٍ به فتح لام فقط دو جا آمده یکی در سورهٔ ابراهیم (۱۵/۷) ودوم (الم سجده (۱۳/۲) ودر موارد دیگرکُلُّ نَفْسٍ به ضم لام آمده و در سورهٔ یونس (۵۴/۶) لِكُلِّ نَفْسٍ و در رعد (۳۳/۵) عَلَى كُلِّ نَفْسٍ آمده اما جای اشتباه نیست.

۲۴ـ وَيَزِيدَهُمْ بفتح «د» فقط دو جا آمده است اول سوره نور (۳۸/۵) و دوم فاطر (۳۰/۴) و د رموارد دیگر به ضم «د» می آید.

۲۵ـ در سه محل بعد از كَمْ اَهْلَكْنَا«مِنْ قَبْلِهِمْ» می آید (۱) سوره انعام (۶/۱) (۲) الم السجده (۲۶/۳) (۳) ص (۳/۱) و در دو مورد دیگر یعنی اسراء (۱۷/۲) و قصص (۵۸/۶) بعد از آن نه کلمهٔ «قَبْلَهُمْ» هست و نه «مِنْ قَبْلِهِمْ» وسوای اینها همه جا «قَبْلَهُمْ» می آید نگاه کنید :سورهٔ مریم (۹۸/۶) وطه (۱۲۸/۷) و ق (۱۲/۱) و غیره.

۲۶ـ تَتَذَكَّرُونَ با دو (ت) فقط در سه جا آمده (۱) انعام (۸۱/۹) (۲) الم سجده (۴/۱) (۳) مؤمن (۵۸/۶) و در هفده مورد (تَذَكَّرُونَ) بایک (ت) آمده نگاه کنید :انعام (۱۵۳/۱۹) اعراف (۳/۱) و یونس (۳/۱) وهود (۲۴/۲) وغیره.

۲۷- **مُبَيِّنٰتٍ** - با «م» فقط در سورهٔ نور (۳۴/۴) و (۴۶/۶) و سورهٔ طلاق (۱۱/۲) آمده است و در تمام موارد دیگر (**بَيِّنٰتٍ**) بدون میم می‌آید، نگاه کنید: بقره (۹۹/۱۲) وحج (۱۶/۲) و مجادله (۵/۱) و غیره.

۲۸- **وَالْاَرْضَ وَمَابَيْنَهُمَا فِىْ سِتَّةِ** فقط در سه جا آمده (۱) فرقان (۵۹/۵) (۲) الّم سجده (۴/۱) (۳) ق (۳۸/۳) و د رجاهای دیگر **وَالْاَرْضَ فِى سِتَّةِ** آمده بنگرید: اعراف (۵۴/۷) و یونس (۳/۱) هود (۷/۱) وحدید (۴/۱) و غیره.

الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين والصلوة والسلام على رسوله الامين وآله و اصحابه اجمعين. حمد و ستایش بی حد برای ذاتی که به لطف و کرمش به این حقیر توفیق بخشید تا باب اول مشابهات را به پایان برسانم. امید وارم به تکمیل باب دوم توفیق عنایت فرماید.

از خداوند می خواهم که این ارمغان را به درگاهش پذیرفته و برای طلاب و حافظان قرآن نافع و برای بنده و والدینم و تمام مشایخ واساتیدم بویژه استاد گرامی مولانا قاری فتح محمد، صدقه جاریه قرار دهد. **مؤلّف**

یاد آوری

علامتهایی که در این باب ذکر شده علائم انحصاری نیستند، بلکه بطور نمونه جهت آمادگی ذهنی بیان شده اند، هر شخصی می تواند در موارد مشتبه از طرف خود علاماتی معین کند، به همین دلیل برخی از مشابهات را به خوانندگان واگذارکرده‌ایم تا خود آنها در چنین مواردی ازاین گونه علائم‌استفاده کنند.

۵ربیع الاول سال ۱۳۷۴ه ق

پایان ترجمه ۱۴۰۹/۵/۱۶ه ق

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم ۵
بخش اول.. ۱۱
فصل اول ۱۱
فصل دوّم.. ۱۹
فصل سوّم ۲۴
توجه ۳۰
فصل چهارم.. ۳۰
قسم اول ۳۰
قسم دوم ۳۲
قسم سوم.. ۳۳
قسم چهارم.. ۳۴
فصل پنجم.. ۳۶
فائده. ۴۸
تذکر:.. ۵۴
یادآوری : ۵۸
متفرقات.. ۵۸
فایده. ۵۸
یاد آوری ۶۳





مرکز پخش:

زاهدان - خیابان خیام - جنب مسجد جامع مکی
انتشارات صدیقی - تلفن: ۲۴۴۵۸۴۰ - ۰۵۴۱

شابک: X - ۳۸ - ۵۷۲۸ - ۹۶۴

Rotben 8830236 - 8300605
M.Derakhshan 09121403198